



سیلاب در غور؛

## شش تن کشته و شش تن زخمی شده‌اند



باران‌های غیرموسمی و سرازیر شدن سیلاب در فصل بهار همه‌ساله از شهروندان کشور قربانی می‌گیرد. در روزهای اخیر نیز سرازیر شدن سیلاب در مرکز و ولسوالی‌های غور، در کنار تلفات انسانی، زیان هنگفت مالی به باشنده‌گان محل وارد کرده است. طبق اظهارات منابع محلی، در اثر جاری شدن سیلاب‌ها در شهر فیروزکوه و ولسوالی‌های تپوره و پسانند ولایت غور، شش تن به شمول چهار زن و یک کودک جان باخته و شش تن دیگر زخمی شده‌اند. همچنان ده‌ها خانه رهایشی، صدها جریب زمین...

۳ صفحه

## گزارش تحقیقی عفوبین‌الملل؛

# زن‌ستیزی‌های طالبان از منظر جنایت علیه بشریت بررسی شود



## ضرورت برخورد فنی با منازعه آب هلمند

## یک زن جوان در تخار خودکشی کرد



زنده‌گی‌اش پایان داده است. منابع روز جمعه، ۵ جوزا، می‌گویند که این زن ۲۰ سال سن داشت و باشنده روستای کفتر علی ولسوالی ینگی قلعه تخار بود. این زن طاهره نام داشت. به گفته منابع، طاهره به دلیل خشونت‌های خانواده‌گی و جدال با یازنه شوهرش، شب گذشته با خوردن مرگ موش به زنده‌گی‌اش پایان داده است. منابع می‌افزایند که طاهره هفت ماه پیش با فردی به اسم سمیع‌الله عروسی کرد و یک کودک چهار

۸ صبح، تخار: منابع محلی در ولایت تخار می‌گویند که یک زن جوان در این ولایت خودکشی کرده و به

## طالبان یک افسر ارتش حکومت پیشین را در کابل بازداشت کردند



۸ صبح، کابل: منابع آگاه از بازداشت یک افسر حکومت پیشین از سوی طالبان در شهر کابل خبر می‌دهند. این نظامی پیشین که الماس سروری نام دارد پنج‌شنبه‌شب، ۴ جوزا، از خانه‌اش در مربوطات کوتل خیرخانه شهر کابل بازداشت و به جای نامعلوم انتقال داده شده است. الماس باشنده اصلی منطقه فراج ولسوالی عنابه پنجشیر است و در شهر کابل زنده‌گی می‌کند. به گفته منابع، این فرد پس از سقوط حکومت پیشین به ایران رفته بود و یک ماه بعد دوباره به کشور برگشته بود. هرچند تا کنون انگیزه بازداشت این نظامی پیشین معلوم نیست، اما منابع می‌گویند که او «بی هیچ جرمی» از سوی طالبان بازداشت شده است.

طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. منابع مدعی‌اند که چندی پیش نیز طالبان یک عضو دیگر این خانواده را بازداشت و در بدل رهایی او، اسلحه و پول درخواست کرده بودند. این در حالی است که طالبان در هفته گذشته دست‌کم چهار افسر ارتش و یک جنرال حکومت پیشین را در مربوطات شهر کابل بازداشت و به جای نامعلوم انتقال داده‌اند.

کتمان حقایق جسد طاهره را به خاک سپرده و مانع عریضه کردن خانواده طاهره شده‌اند. لازم به ذکر است که در یک ماه اخیر این سومین مورد خودکشی زنان جوان در این ولسوالی است. طالبان تاکنون به هیچ یک از پرونده‌ها رسیده‌گی نکرده‌اند.

ماه نیز در بطنش داشت.

سمیع‌الله بارها طاهره را لتوکوب کرده و این موضوع را طاهره با برادران و خانواده خود نیز شریک کرده، اما هیچ توجهی از سوی آنان نشده است. براساس گفته‌های منابع، یازنه سمیع‌الله که مدیر جنایی طالبان در ولسوالی ینگی قلعه است، به دلیل

## یک کودک در غور به قتل رسید

۸ صبح، غور: منابع محلی در ولایت غور می‌گویند که یک کودک در این ولایت به قتل رسیده است. منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که چاشت روز جمعه، ۵ جوزا، یک کودک ۱۰ ساله در مربوطات ولسوالی پسانند ولایت غور با ضرب گلوله به قتل رسیده است. منابع مدعی‌اند که این کودک به علت خصومت‌هایی که میان دو خانواده بوده، کشته شده است. طالبان در غور تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که در چهار ماه گذشته، دست‌کم سه کودک در رویدادهای گوناگون در این ولایت به قتل رسیده‌اند.



## افراد ناشناس یک مکتب را در کنر آتش زدند

۸ صبح، کنر: منابع محلی در ولایت کنر می‌گویند که افراد ناشناس یک مکتب را در ولسوالی چپه‌دره این ولایت آتش زده‌اند. منابع می‌گویند که این رویداد پنج‌شنبه‌شب، ۴ جوزا، در منطقه چمبرک ولسوالی چپه‌دره رخ داده است. به گفته منابع، این مکتب ساختمان نداشت و مردم محل با هزینه شخصی خود برای

دانش‌آموزان صنف درسی از خیمه و چوب ساخته بودند. مقام‌های طالبان در کنر آتش زدن این مکتب را تایید کرده و از تحقیقات در این زمینه خبر داده‌اند. این در حالی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، مکاتب دخترانه به‌روی دختران بالاتر از صنف ششم مسدود است.

## کمک نقدی سازمان بین‌المللی مهاجرت به ۸۸۸ خانواده در میدان وردک



## خلیل‌زاد به جای طالبان سخن می‌گوید







## ملی‌گرایی دموکراتیک و غیرفاشیستی

در بیشتر نقاط جهان مدت‌ها شده است که صحبت از ملت، نیاز به اتحاد ملی و پاس‌داری از ارزش‌های ملی عقب‌مانده‌گی دانسته می‌شود و در دانشگاه‌ها و محافل فکری از ملی‌گرایی چون جریان سیاسی کهنه صحبت می‌شود. در دنیای غرب، ملی‌گرایی تنها شصت هفتاد سال پس از رونق‌گیری در اواسط قرن نوزدهم به چالش کشیده شد و جنبش‌هایی در برابر تمایل مرکزگشی، دیوارسازی و تبلیغ همبسته‌گی‌های متعصبانه ملی به راه افتادند. اما تا اواسط قرن بیستم، زمانی که دو جنگ جهانی چهره زشت ملی‌گرایی افراطی آلوده به نژادگرایی را عریان کرد، توافق جامعی بر سر خطرهای ناسیونالیسم به وجود نیامده بود. جامعه ملل و پس از آن سازمان ملل، واکنش جمعی بخش بزرگی از قدرت‌ها و جوامع در برابر دیوملی‌گرایی افراطی یا فاشیسم بود که جهان را تا مرز ویرانی جمعی برد. شرکت‌ها و دولت‌هایی که برای تقسیم ثروت جهان می‌جنگیدند، تمایزات فرهنگی، جغرافیایی و نژادی را ابزار بسیج مردم و بهانه‌ای برای توجیه کشتار و ویرانی می‌کردند. رسانه‌ها، هنرمندان، سیاست‌مداران و مبلغان بسیاری در کشورهای که خواهان سهم بیشتر از ثروت و سرزمین در جهان بودند، برای ساختن داستان‌های برتری‌جویانه و تفرقه‌انگیز بسیج شده بودند و آدم‌ها را به خاطر رنگ جلد، تعلق سرزمینی، فرهنگی و عقیدتی به پست، شیطانی و دشمن و یا عالی، برگزیده و دوست تقسیم می‌کردند.

منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلام برائت رسمی کشورها از آن‌گرایش‌های فاشیستی بود. برتری‌جویی جنسیتی، قومی، فرهنگی، ملی، نژادی و عقیدتی رسماً مذموم و غیرانسانی خوانده شد و بر تساوی حقوق آدم‌ها تأکید گردید. از آن پس، برخی جوامع توانستند به تدریج و با افزایش سطح سواد و رفاه محیطی را برای تربیت انسان‌هایی فراهم سازند که از بند علایق تنگ محلی و ملی بیرون شوند و به مسایل از درجه جهان‌وطنی نگاه کنند. اکنون جهان‌وطنان نیروی بزرگ و روبه‌رشد شده‌اند. در کشورهای توسعه‌یافته، مرزها و وابسته‌گی‌های عاطفی نفوس به آن‌چه ملی خوانده می‌شود، کاهش یافته و صدها میلیون انسان بدون احساس تعلق متعصبانه به ملت و سرزمین، در گوشه‌های جهان مشغول زنده‌گی و گاه تبدیل وطن‌اند. در پایین اما میلیاردها انسان در مرزهای گرسنه‌گی، محرومیت و ناآگاهی گیر افتاده‌اند و نمی‌توانند به‌آسانی از حدود رنج‌ها و ناتوانی‌های‌شان فراتر روند.

حالا حداقل دو جهان متفاوت داریم. در یکی اقلیتی از آدم‌های جهان‌وطن زنده‌گی می‌کنند که قادرند به هر گوشه جهان بروند، در هر جا سرمایه‌گذاری کنند، با انسان‌هایی از گوشه و کنار جهان رابطه داشته باشند، به سرنوشت زمین بیندیشند و از تحولات بین‌المللی سخن بگویند. در حول نفوذ و سرمایه آنان فرهنگ و ادبیاتی خلق شده و گروه بزرگی از نویسندگان و فرهنگیان شیوه زنده‌گی آنان را چون الگو تجلیل می‌کنند و برای تکثیر آن در ذهن دیگران تلاش می‌ورزند.

در جهان دیگر، آدم‌های گیرمانده در مرزها و محدودیت‌های ملی به سر می‌برند که نه توان مادی زیستن در جهان‌وطن را دارند و نه فرصت اندیشیدن به چنان جهانی. البته افکار شیرین جهان‌وطنان از طریق کتابخانه‌ها، رسانه‌ها و دانشگاه‌ها به گروهی از روشن‌فکران ما ساکنان جهان پایینی نیز سرایت کرده است و ما نیز هم‌میهنانی داریم که ملی‌گرایی را حرکت کهنه و مخرب می‌دانند.

ما مردم افغانستان از اواخر قرن نوزدهم که حضور قدرت‌های جهانی در منطقه، شرایط زنده‌گی در سرزمین مرزدار، بیرق‌دار و پاسپورت‌دار را بر ما تحمیل کرد، تا زمانی که در نیمه اول قرن بیستم موج‌های قدرت‌مندی برای ساختن و برانداختن دولت ملی به راه افتاد و تا امروز که بر سر این ملت بودن ما بحث‌های داغ جریان دارد، در پایین‌ترین پله آن جهان پایینی گیر مانده‌ایم. برای نجات از این وضعیت ملی‌گرایی ابزار سیاسی مترقی و کارساز است، به شرط آن‌که با شونیزم و برتری‌طلبی آلوده نشود. ملی‌گرایی که هدف آن نجات از بی‌دولتی و کشیدن سرزمین از گرو قاچاق‌بران، غارت‌گران، تروریستان و جنگ‌جویان مزدور باشد، برای مردم افغانستان بسیار موثرتر از مبارزه برای جهان‌وطنی لیبرالی، اسلامی یا کارگری است. ملی‌گرایی که چشم‌انداز دموکراتیک برای ساکنان کشور ترسیم کند و شر تاجران دین، قوم و فرهنگ را از سر ما کم نماید، افغانستان را به همان مسیری خواهد برد که اندیشمندان حامی انترناسیونالیسم جهان‌وطن می‌خواهند.

## جای خالی روایت در افغانستان؛

# چرا روایت‌گری زنان مهم است؟ (۲)



**امروزه زنان افغانستان در برهه‌ای از تاریخ ایستاده‌اند که نه تنها حق روایت‌گری ندارند که مجبور به روایتی از خود شده‌اند که ساخته رژیم حاکم است. اما آنچه حیاتی است، صدا بلند کردن زن، روایت‌کردن او و سخن گفتنش در برابر گرگان وحشی است.**

ف.س

روایت زنده‌گی زنان، روایت نصف جامعه نه، بلکه روایت تمام جامعه است. زنده‌گی زنان فضای اندرونی و بیرونی را متأثر می‌سازد و از آن تأثیر می‌پذیرد. روایت‌گری از زنده‌گی زنان افغانستان از آن‌جا مهم است که آنان مدت‌های مدیدی به آن سوی برقع پس زده شده‌اند، صدای‌شان شنیده نشده، رنج‌شان ثبت نشده و زنده‌گی‌شان نادیده گرفته شده است. زن افغانستان بی‌تاریخ است و در تاریخ «هیچ‌کس» است. به همین سبب لازم است که از یک جایی آغاز کرده و روایت خودش را با زبان خودش بازگو کند و تاریخ زیسته‌اش را بنویسد. فکر غالب این است که همگان از چگونه‌گی زنده‌گی زن و رنج‌هایی که او در زنده‌گی می‌کشد، واقفند؛ اما در اصل چنین نیست. چون زن افغانستان به سخن نیامده است، شرایط حاضر زنده‌گی زنان این کشور اعتراض جمعی مردم را برای دادخواهی در راستای تأمین حقوق زنان رقم زده است.

در یادداشت قبلی به چرایی ضرورت روایت‌گری در افغانستان پرداختم، و این یادداشت متمرکز بر روایت‌گری زنده‌گی زنان از زبان زنان است. ما در افغانستان با اکثریت مطلق خاموش مواجه هستیم. اکثریتی که پس پرده هستند و از جامعه پنهان مانده‌اند. آنچه از زن افغانستان به شهرت رسیده است و روایت غالبی که جامعه از زن افغانستان دارد، به‌گونه‌ای است که تمام زنان را در یک کتگوری فرض کرده و زنده‌گی آن‌ها را ساده گرفته و با همین ساده‌نگری در موردش صحبت می‌کند، شرایطش را تبیین می‌کند، قضاوتش می‌کند و در آخر نسخه‌ای برایش پیچیده می‌شود. ولی این در حالی است که نه جامعه افغانستان یک‌دست است و نه زن جامعه افغانستان. بدیهی است که تمام زنان در رنج، ستم، تبعیض و خشونت مشترکند؛ اما زنده‌گی زنان روستایی تا زنده‌گی زنان شهری پیچیده‌گی‌های مختص به خودش را دارد. خشونت

در روستا و شهر تفاوت‌های خود را دارد. رنج زن روستایی از رنج زن شهری متفاوت است. همه این‌ها نیاز به شناسایی دارند.

روایت‌های متفاوت و مختلفی از زنان وجود داشته که زوایای پنهان بسیاری دارد که هنوز ناگفته و نانوشته باقی مانده است. نوشته‌هایی که در ارتباط به زنان و زنده‌گی آنان است، بیش از آن که سخن زن باشد، از سخن زدن با زنان گفته باشد یا روی سخن با زنان باشد، در مورد زنان است. طوری که یک موجود بی‌زبان آن‌سوتر فرض گرفته شده و به نمایندگی از آن حرف زده می‌شود.

از دلایل دیگری که روایت زنان مهم است، این که روایت زن روایت فرودستان است. زنان به دلایل اجتماعی و موقعیت نابرابری که در جامعه دارند، از تجربیات متفاوت با مردان برخوردارند و روایت‌شان نیز متفاوت از آنچه است که مردان روایت می‌کنند. لایه‌های زنده‌گی زنان در افغانستان از تبعیض، ستم و بی‌عدالتی پر است. تبعیضی که بر زن افغانستان می‌رود متفاوت‌تر از آنچه است که مردان تجربه‌اش می‌کنند. زنان جدا از این که با مردان در تبعیض قومی، زبانی و مذهبی شریک هستند، به سبب جنسیت‌شان متحمل تبعیض جنسیتی نیز می‌شوند. این تبعیض سوبه‌های آشکار و پنهان زیادی در خود دارد. از آن‌رو که تبعیض جنسیتی نه تنها از سوی رژیم حاکم که از سوی خانواده‌ها نیز بر زنان اعمال می‌شود، و چنان درونی شده است که زنان نیز پذیرفته‌اند موقعیت‌شان در جامعه آن جایی است که مردان برای‌شان تعیین کرده‌اند. زن افغانستان در کنار تمام بدبختی‌هایی که با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، مجبور به تحمل خشونت پنهان و آشکار نیز است. هیچ نوع از انواع خشونت نیست که زن افغانستان آن را نچشیده باشد. زنان خشونت جنسی، فیزیکی و روانی را به درجات مختلف تجربه کرده‌اند.

موقعیت نابرابر و نامناسب زنان در جامعه بر نوع نگاه آنان به زنده‌گی تأثیر گذاشته است. از این‌رو، نگاه

زنان به پدیده‌های اجتماعی متفاوت است. به‌گونه مثال، جنگ که از پدیده‌های همیشه موجود در کشور ماست، زن، مرد و کودک از عواقب آن در امان نبوده و نیستند. مردان در سنگر و زنان در خانه، هر دو به نوع متفاوت این پدیده را تجربه کرده‌اند. بسیار محتمل است که وقتی از مردی درباره تجربه زنان از جنگ پرسیده شود، جوابی برایش ندارد. تصور اغلب این است که مردان در سنگرند، مردان خون می‌ریزند و زنان در چهاردیواری خانه زنده‌گی آرام و بی‌دغدغه را دارند. یا مثلاً بیکاری که امروزه تا خرخره گریبان جامعه ما را گرفته است. به‌طور قطعی می‌توان گفت که تجربه زنان از بیکاری متفاوت از مردان است. امروزه آپارتمان‌داری جنسیتی و ستم آشکار بر زن و منع کار زنان، سبب شده است که نرخ بیکاری زنان به بلندترین درجه آن صعود کند. در نتیجه این بیکاری و به ورطه فقر افتادن، مردان ممکن کار دستی، کارگری و مهاجرت را در پیش گیرند؛ اما زنان رو به تکدی‌گری یا کارگری جنسی خواهند آورد. بنابراین، هر رویداد اجتماعی در جامعه‌ای که دچار نابرابری جنسیتی است، تأثیر متفاوت بر زنده‌گی زنان و مردان می‌گذارد. هر قشر تجربه متفاوت از آن رویداد دارد و نوع نگاهش به آن نیز فرق می‌کند.

از سوی دیگر، روایت زنان هیچ‌گاه از سلطه قدرت در امان نبوده و قدرت همواره در پی تثبیت روایتی از زن بوده که خواستارشان است. با نگاهی به تاریخ افغانستان می‌بینیم که وضعیت زنان این کشور تحت تأثیر تصمیم حکومت‌ها بر زنده‌گی زنان بوده است. حکومتی که خواستار آزادی زنان بوده، در پی تعریف زن به یک شکل و ایجاد روایت مبتنی بر باور خودش از زن افغانستان برآمده و حکومتی که خواستار خانه‌نشینی کردن زنان بوده، روایتی با قرائت خودش از زن ایجاد کرده است. به‌گونه مثال، امروزه که طالبان حقوق زنان برای‌شان بی‌معناست و آموزش زنان غیرقابل اهمیت، الگوی آن‌ها زنی است که در کنج خانه می‌نشیند و در بیرون برقع سر می‌کند. همه شاهد هستیم که طالبان در سخنان‌شان همواره در حال دیکته کردن این حرف هستند که زن افغانستان همانی است که ما به نمایش گذاشته‌ایم. همین امر، روایت زنان به زبان زنان را مهم می‌سازد. زنان باید خود بنویسند و از ستمی بگویند که بر آنان رفته است و می‌رود. آنان باید راهی برای بیان خواست‌ها و آرزوهای‌شان پیدا کرده و در مورد آنچه می‌خواهند فکر کنند و با چالش‌ها به مبارزه برخیزند.

امروزه زنان افغانستان در برهه‌ای از تاریخ ایستاده‌اند که نه تنها حق روایت‌گری ندارند که مجبور به روایتی از خود شده‌اند که ساخته رژیم حاکم است. اما آنچه حیاتی است، صدا بلند کردن زن، روایت‌کردن او و سخن گفتنش در برابر گرگان وحشی است. روایت زنده‌گی زنان افغانستان سبب می‌شود که جامعه زنان را با زبان خودشان بشناسد، زوایای پنهان زنده‌گی زنان آشکار شود و جامعه درک بهتری از وضعیت و شرایط زنان حاصل کند. در کنار این، روایت زنان می‌تواند سبب ایجاد همدلی میان مردم شود، و در نتیجه حس همبسته‌گی را در میان مردم افزایش دهد. علاوه بر این، روایت زنده‌گی، روایت تاریخ است. با توجه به این که تاریخ‌نویسان همواره مردان بوده‌اند، نوشتن روایات به زبان زنان، در واقع ثبت و بازگو کردن تاریخ از نگاه زن است.

## سازمان جهانی غذا فعالیتش را در غزنی به حالت تعلیق درآورد



موسسه‌های wasta, testo و health در ولایت غزنی با سازمان جهانی غذا به‌عنوان پیمان‌کاران محلی کار می‌کنند که اخیراً فعالیت هر سه متوقف شده است.

این در حالی است که روز گذشته متیو میلر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا میز در یک نشست خبری از توقف فعالیت‌های بشردوستانه این کشور در ولایت‌های غزنی، غور و ارزگان خبر داد.

او افزود که به‌دلیل دستبرد طالبان به این کمک‌ها، آنان فعالیت‌شان را به حالت تعلیق در آورده‌اند.

گفتنی است که پیش از این چندین بار شماری از باشندگان این ولایت، طالبان را به مداخله در کار نهادهای مدرسان متهم کرده و گفته‌اند که اعضای این گروه، کمک‌های بشردوستانه جامعه جهانی را به افراد خودشان توزیع می‌کنند.

**۸صبح، غزنی:** سازمان جهانی غذا فعالیت‌هایش را در ولایت غزنی به حالت تعلیق درآورده است. شماری از کارمندان محلی موسسات همکار با سازمان جهانی غذا در غزنی روز جمعه، ۵ جوزا، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح این موضوع را تأیید کرده‌اند.

به گفته آنان، تمامی فعالیت‌های بشردوستانه مرتبط به این سازمان در این ولایت، از سه هفته به این سو به حالت تعلیق درآمده است.

این کارمندان علت این تصمیم سازمان جهانی غذا را مداخله طالبان در کارهای‌شان عنوان کرده‌اند.



## گزارش تحقیقی عفویین الملل؛

# زن‌ستیزی‌های طالبان از منظر جنایت علیه بشریت بررسی شود



جرم شناخته می‌شود. براساس این گزارش، هر زمانی که مقام‌های طالبان به خارج از افغانستان سفر می‌کنند، باید پیام روشنی به آن‌ها داده شود که سیاست‌های تبعیض‌آمیزشان علیه زنان و دختران هرگز قابل تحمل نخواهد بود.

این گزارش به دولت‌ها همچنان پیشنهاد کرده است که پرونده‌های پناهنده‌گی زنان را بپذیرند. در این گزارش آمده است: «دولت‌ها باید تمام زنان و دخترانی را که از افغانستان فرار می‌کنند، به‌عنوان پناهنده در نظر بگیرند. براساس کنوانسیون پناهنده‌گان ۱۹۵۱، به دلیل آزاروآذیت که آن‌ها به دلیل جنسیت خود در معرض خطر قرار دارند، دولت‌ها باید تمام پرونده‌های زنان و دختران افغانستان را به‌طور رسمی بازگشایی و مجدداً بررسی کنند. درخواست پناهنده‌گی آنان را که قبلاً رد شده بود، مجدداً بررسی کنند.»

**پیشنهادات گزارش عفویین الملل به طالبان**

سازمان عفویین الملل در این گزارش به طالبان پیشنهاد کرده است که به حقوق بشر و حقوق زنان احترام بگذارند. در گزارش آمده است: «مقام‌های بالفعل [طالبان] باید به همه حقوق بشر، حقوق زنان و دختران احترام بگذارند، از جمله به حق عدم تبعیض، حمایت برابر، آزادی بیان، اجتماع و مذهب، اجتماع مسالمت‌آمیز، حریم خصوصی و مشارکت عمومی آن‌ها حمایت کنند. آن‌ها را ترویج و به آن عمل کنند. باید اقدامات فوری برای تضمین حق کار، آموزش و تحصیل انجام دهند.»

در این گزارش از طالبان خواسته شده که به زنان و دختران در افغانستان «اجازه تظاهرات و اعتراض مسالمت‌آمیز» داده شود و خشونت علیه مدافعان حقوق بشر، فعالان مدنی و خبرنگاران را متوقف سازند. براساس پیشنهاد این گزارش، طالبان باید محدودیت‌های سفر زنان و دختران را رفع کنند و اجازه دهند که زنان به وظایف دولتی و سایر مشاغل خود برگردند. در این گزارش به طالبان گفته شده که به حق آموزش، تحصیل و کار زنان احترام بگذارند، ممنوعیت‌های فراتر از مقطع ابتدایی آموزش را برای دختران لغو کنند و از ایجاد فرصت‌های تحصیلی مساوی برای زنان و دختران و مردان اطمینان بدهند. سازمان عفویین الملل در این گزارش از طالبان خواسته که به همه اتهام‌های ازدواج‌های اجباری و زیرسختی که اعضای این گروه دخیل و مظنون هستند، پاسخگو باشند و زمینه تحقیقات مستقل، شفاف و بی‌طرفانه را فراهم سازند. در این گزارش گفته شده که متهمان خشونت علیه زنان باید در دادگاه‌های عادلانه و مدنی در مطابقت با معیارهای حقوق بشری به کیفر برسند و معیارهای پیش‌گیری و جبران خشونت علیه زنان و دختران به اجرا گذاشته شود.

در این گزارش همچنان از طالبان خواسته شده که استراتژی جامع را در حمایت از نهادهای کمک‌رسان سازمان ملل و سایر سازمان‌های غیردولتی مبتنی بر عدالت جنسیتی روی دست بگیرند. سازمان عفویین الملل همچنان گفته که خلاصه یافته‌های این گزارش و نتیجه‌گیری حقوقی آن را از طریق ایمیل با وزارت خارجه طالبان در میان گذاشته، اما هیچ پاسخی تا تاریخ انتشار آن دریافت نکرده است. طالبان اما از این پیش‌در پاسخ به نگرانی مقام‌های دولت‌ها و مسوولان سازمان‌های بین‌المللی درباره نقض حقوق بشر گفته‌اند که این مساله مرتبط به افغانستان است و هیچ کشور و یا سازمانی نباید در امور داخلی افغانستان مداخله کند.

سازمان عفویین الملل در این گزارش از اعمال محدودیت بر آزادی سفر، لباس، آموزش، کار و سایر ممنوعیت‌های طالبان در قبال زنان مستندسازی کرده است. در این گزارش گفته شده که طالبان اعتراض‌های مسالمت‌آمیز را سرکوب و معترضان را بازداشت و شکنجه کرده و مورد بدرفتاری و مجازات بدنی قرار داده‌اند. افزون بر این ازدواج‌های اجباری و ازدواج‌های زیر سن را افراد طالبان مرتکب شده‌اند که در این گزارش با جزئیات به آن‌ها پرداخته شده است. در گزارش تصریح شده که زنان و دختران به دلیل جنسیت مورد هدف قرار می‌گیرند و همچنان مورد حمله سیستماتیک آزار جنسی هستند. این در حالی است که یافته‌های یک گزارش تحقیقی روزنامه ۸ صبح نیز نشان می‌دهد که از میان ۹۰ زن زندانی در جوزجان، فاریاب و سمنگان، ۱۶ تن آنان در نتیجه تجاوز جنسی مکرر افراد طالبان، حمل گرفته و در شفاخانه‌های محلی سقط جنین کرده‌اند.

سازمان عفویین الملل گفته است که ممکن بدرفتاری‌های طالبان در قبال زنان جنایت علیه بشریت و آزاروآذیت جنسیتی باشد. در این گزارش آمده است: «در هنگام بازداشت زنان زیر شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته‌اند و مجبور به دادن اعتراف‌های اجباری شده‌اند که دیگر اعتراض نکنند. شواهد نشان می‌دهد که نقض فاحش حقوق بشر، ممکن به‌عنوان جنایت علیه بشریت و آزاروآذیت جنسیتی باشد.»

یافته‌های این گزارش تحقیقی، تحلیل و بررسی شده است. در گزارش گفته شده که براساس اساس‌نامه روم، آزار و شکنجه مبتنی بر جنسیت، جنایت علیه بشریت است. در تحلیل این گزارش آمده است: «به موجب ماده ۷ اساس‌نامه روم، آزار و شکنجه، حبس، ناپدید ساختن افراد و سایر اعمال غیرانسانی به دلیل جنسیت یا زمانی که به‌صورت گسترده یا سیستماتیک انجام شود، جنایت علیه بشریت است.»

در تحلیل این گزارش همچنان آمده است: «تفکیک جنسیتی و تبعیض سیستماتیک ناشی از سیاست‌ها و تصمیمات مقامات طالبان علیه زنان و دختران و خشونت‌های ناشی از آن و تجاوزات انجام‌شده در اعتراضات و در بازداشت، نقض شدید حقوق بشر است و طبق ماده ۷ اساس‌نامه روم، جنایت علیه بشریت می‌باشد.»

### پیشنهادها به دیوان بین‌المللی کیفری و نهادهای سازمان ملل

سازمان عفویین الملل به دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) پیشنهاد کرده که تحقیقات کامل و مستقلی در این زمینه انجام دهد. در این گزارش گفته شده که دیوان بین‌المللی کیفری باید اطمینان حاصل کند که تحقیقاتش به‌طور کامل موارد، حوادث و جنایاتی را که گفته می‌شود توسط طالبان انجام شده است، طبق قوانین بین‌المللی بررسی کند. در گزارش عفویین الملل آمده که وضعیت وخیم بشری در افغانستان و جنایاتی که زنان و دختران را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مستلزم تحقیقات کامل و مستقل و ازسرگیری تحقیقات توسط دادگاه بین‌المللی است. براساس این گزارش، تحقیقات مستقل می‌تواند بستر پاسخگویی و تحقق عدالت را در این کشور فراهم کند.

سازمان عفویین الملل به سازمان ملل متحد به‌ویژه شورای حقوق بشر این نهاد پیشنهاد کرده است که ماموریت گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشری در افغانستان را تمدید کند. در گزارش گفته شده که شورای حقوق بشر سازمان ملل باید پاسخگویی مستقل بین‌المللی ایجاد کند. عفویین الملل پیشنهاد کرده است که مکانیسم خاصی در رابطه با افغانستان و ماموریت رسیده‌گی به جنایات در چارچوب قوانین بین‌المللی و سایر موارد نقض جدی حقوق بشر و همچنین گردآوری شواهد، ایجاد شود. در این گزارش به دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) پیشنهاد شده است: «باید مطابق با قطع‌نامه دو هزار و ۶۷۹ شورای امنیت [از افغانستان صلح‌آمیز، باثبات و مرفه] حمایت کند. فعالیت‌های مربوط به حفاظت از حقوق بشر به‌ویژه بحران خشونت مبتنی بر جنسیت را برجسته کند، از جمله ازدواج اجباری و ازدواج کودکان، تاثیر برچیدن راه‌های قانونی برای محافظت از سوی طالبان و تضمین پاسخگویی در مورد خشونت مبتنی بر جنسیت در کشور، دست به کار شود.»

### پیشنهادها به دیوان بین‌المللی کیفری و نهادهای سازمان ملل

در گزارش تحقیقی سازمان عفویین الملل گفته شده که دولت‌ها از جمله کشورهای همسایه افغانستان، باید با اعمال صلاحیت جهانی یا صلاحیت فراسرزمینی مشابه در رابطه با رهبری طالبان و کسانی که مسوول سیاست‌های تبعیض‌آمیز این گروه در قبال زنان و دختران هستند، مطابق قوانین بین‌المللی رفتار کنند. در گزارش تصریح شده که رفتار طالبان در مورد زنان طبق قوانین بین‌المللی

**سازمان عفویین الملل وضع محدودیت‌های تبعیض‌آمیز از سوی طالبان بر زنان و دختران را در تناقض با ضمانت‌های حقوق مندرج در معاهدات بین‌المللی که افغانستان عضو آن است، می‌داند. در این گزارش گفته شده که اعمال سیاست‌های زن‌ستیزانه و سرکوبگرانه طالبان در تضاد با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک بررسی شده است.**

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که طالبان با سرکوب بیشتر زنان و دختران، مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را ممنوع کرده‌اند. در گزارش گفته شده که زنان علاوه بر منع آموزش بالاتر از صنف ششم، تحصیل و کار، از پوشیدن لباس دل‌خواه نیز منع شده‌اند.

**نقض معاهدات بین‌المللی از سوی طالبان**

سازمان عفویین الملل وضع محدودیت‌های تبعیض‌آمیز از سوی طالبان بر زنان و دختران را در تناقض با ضمانت‌های حقوق مندرج در معاهدات بین‌المللی که افغانستان عضو آن است، می‌داند. در این گزارش گفته شده که اعمال سیاست‌های زن‌ستیزانه و سرکوب‌گرانه طالبان در تضاد با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک بررسی شده است.

### اعمال خشونت طالبان بر زنان معترض

گزارش عفویین الملل که در همکاری با کمیسیون حقوق‌دانان تهیه شده، خشونت طالبان بر زنان را مستند کرده است. براساس این گزارش طالبان زنان اشتراک‌کننده در راه‌پیمایی‌ها را بازداشت، شکنجه، تحقیر و سرکوب کرده‌اند. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که زنان شرکت‌کننده در تظاهرات به‌صورت خودسرانه بازداشت و مورد رفتار «ظالمانه و غیرانسانی» طالبان قرار گرفته‌اند. بر بنیاد این گزارش، طالبان با انحلال چارچوب نهادهای حمایتی، سیاست‌های ظالمانه را به‌طور سیستماتیک و به شیوه گسترده به‌صورت منفی تحمیل کرده‌اند که زنان و دختران را در سراسر کشور تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در این گزارش آمده است: «سیاست‌های اتخاذشده توسط طالبان به‌شدت حقوق بشر از جمله حقوق تحصیل و کار و آزادی سفر، بیان، تشکل و اجتماعات مسالمت‌آمیز و همچنین حقوق برابر و عدم تبعیض را محدود می‌کند. شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، محرومیت از آزادی و امنیت، ممنوعیت، ناپدید شدن اجباری، محدودیت‌های اعمال‌شده علیه زنان و دختران ناشی از رهنمودها و تصمیمات و احکامی که توسط مقامات طالبان در سطح رهبری، اتخاذ شده است.»

**آیا رفتار طالبان در قبال زنان جنایت علیه بشریت است؟**

سازمان عفویین الملل و کمیسیون حقوق‌دانان یک گزارش تحقیقی زیر نام «جنگ طالبان علیه زنان: جنایت علیه بشریت، آزاروآذیت جنسیتی در افغانستان» را منتشر کرده‌اند.



امین کاوه

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که طالبان در نزدیک به دو سال گذشته به‌صورت گسترده حقوق بشر به‌ویژه حقوق زنان را نقض کرده‌اند. در این گزارش گفته شده که طالبان محدودیت‌های جدیدی را به هدف ممنوعیت کامل زنان از عرصه زنده‌گی جمعی اعمال کرده‌اند که حقوق زنان را به‌طور سیستماتیک نقض کرده است. مصاحبه ۹۰ زن و ۱۰ دختر جوان از ۲۰ ولایت افغانستان در این گزارش درج است. این مصاحبه‌شونده‌گان از ۱۴ تا ۷۴ سال سن داشته‌اند. تمدید ماموریت گزارشگر ویژه حقوق بشر، بررسی جنایت طالبان توسط دادگاه بین‌المللی کیفری، پذیرش پرونده‌های پناهنده‌گی زنان معترض، اعمال فشار دولت‌ها بر مقام‌های تصمیم‌گیرنده طالبان و بررسی مستقل و عادلانه موارد نقض حقوق بشر توسط یوناما از پیشنهادها این گزارش به نهادهای مربوطه است. در این گزارش از طالبان خواسته شده که به حقوق بشر احترام بگذارند و استراتژی حمایت از موسسه‌های غیردولتی و سازمان ملل متحد را روی دست بگیرند. نقض شدید حقوق بشر، ناپدید شدن اجباری، شکنجه، زندانی شدن و سایر بدرفتاری‌های طالبان بر زنان و شهروندان افغانستان از یافته‌های اساسی این گزارش است.

سازمان عفویین الملل روز جمعه، ۵ جوزا، به همکاری کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان گزارشی را تحت عنوان «جنگ طالبان علیه زنان: جنایت علیه بشریت، آزاروآذیت جنسیتی در افغانستان» منتشر کرده است. در این گزارش آمده که محدودیت‌های شدید و سرکوب‌گرانه، بازداشت‌های خودسر، آزاروآذیت جنسیتی و رفتارهای فراقانونی طالبان باید به‌عنوان جنایات احتمالی تحت قوانین بین‌المللی، از جمله جنایت علیه بشریت و آزاروآذیت جنسیتی، بررسی شود.

سازمان عفویین الملل در این گزارش گفته است که پس از تسلط طالبان بر افغانستان، وضعیت حقوق بشر به رغم وعده‌های اولیه این گروه مبنی بر احترام به حقوق زنان و دختران، به‌شدت بدتر شده است. این سازمان تاکید دارد که طالبان به‌طور فزاینده‌ای محدودیت‌های جدیدی را به هدف محو کامل حضور زنان و دختران از عرصه‌های عمومی، اعمال می‌کنند.





## بحران آب؛

# مایه حیات که وسیله سیاست

## است

صمد پاینده

**دفتر آب سازمان ملل متحد می‌گوید که تغییرات جوی تاثیر مستقیم و بی‌واسطه بر آب دارد و الگوهای آبی را چنان برهم می‌زند که عواقب آن به آسانی قابل پیش‌بینی نیست. یونیسف در گزارشی نوشته است که افزایش درجه حرارت الگوهای بارنده‌گی و چرخه آبی را برهم زده است و در نتیجه کمبود آب، خشک‌سالی، سیلاب و بارنده‌گی‌های بی‌موقع زنده‌گی را برای زمین‌ها هر روز دشوارتر می‌سازد.**

به تدابیر مشترک توافق ندارند و هر روز با افزایش نفوس و تشدید تغییرات جوی، مشکل آب بیشتر و پیچیده‌تر می‌شود.

در بیست سال اخیر ذخیره آب زمینی (رطوبت خاک، برف و یخ) با نرخ یک سانتی‌متر در سال کاهش یافته و تاثیر جبران‌ناپذیر بر امنیت آبی به‌جا گذاشته است. در جریان یک سده آینده این ذخایر به‌طور چشم‌گیر کاهش خواهد یافت و زنده‌گی یک ششم ساکنان زمین، به‌خصوص آنانی را که در دره‌ها و اطراف دریاچه‌هایی که از کوه‌های برف‌گیر و یخچالی سرچشمه می‌گیرند زنده‌گی می‌کنند، شدیداً متاثر خواهد کرد. زنده‌گی در سواحل و مناطقی که از افزایش سطح آب بحر متاثر می‌شوند، نیز سخت خواهد شد. کیفیت آب نیز از تغییرات اقلیمی متاثر خواهد شد. سیلاب‌های مداوم و افزایش درجه حرارت آب، آلودگی آبی را به همراه خواهد آورد. بدون شک، زراعت و امنیت غذایی میلیاردها انسان نیز از این تحول متاثر خواهد شد.

برای آن‌که سرعت تغییرات اقلیمی را درک کنیم، خوب است بدانیم که به گزارش اداره آب سازمان ملل متحد، از آخرین سال حاکمیت طالبان در دور نخست تا اولین سال برگشت آن گروه به قدرت، خطرهای ناشی از سیلاب در جهان ۱۳۴ برابر افزایش یافته و در عین حال مدت و تعداد خشک‌سالی‌ها در این دو دهه ۲۹ درصد بیشتر شده است.

### افغانستان نیز در منطقه بحرانی قرار دارد

رویترز به تاریخ ۲۵ ماه جاری میلادی گزارشی کوتاه در مورد خطرات کاهش منابع آبی و انرژی در چهارسوی کوه‌های هیمالیا و هندوکش نشر کرده است. براساس آن گزارش، سیستم آبی این منطقه پرنفوس به دلیل تغییرات اقلیمی برهم خورده و امنیت انرژی و توسعه اقتصادی ۱۶ کشور را به مخاطره انداخته است. ۱۰ حوزه دریایی از سلسله‌کوه‌های هیمالیا-هندوکش سیراب می‌شوند و از افغانستان تا هند و از آن‌جا تا چین سیراب می‌شوند. و کار ۱٫۹ میلیارد انسان به این منابع بزرگ آبی وابسته است. رویترز به نقل از مرکز فکری مخاطرات آب چین، نوشته است که ذوب شدن یخچال‌ها و نوسانات شدید آب‌وهوا «تهدیدات جدی» برای مردم این منطقه خلق کرده است. در میان ۱۰ دریای مهمی که مهد تمدن‌های بزرگ بوده و اکنون زنده‌گی نزدیک به دو میلیارد انسان به آن‌ها وابسته است، می‌توان از گنگا و براهماپوترا در هندوستان و بنگلهدیش، دریای سند در پاکستان، یانتسه و دریای زرد در چین و البته دریاهای هلمند و آمو در افغانستان نام برد.



عکس: مسیر دریای هلمند در گوگل‌مپ که از نزدیک کوه‌های پغمان و نیز کوه‌های دایکندی سرچشمه می‌گیرد و یک هزار و ۱۵۰ کیلومتر طول دارد.

دریای هلمند خلاف دریای بزرگ آمو، بیشتر مسیرش را در داخل افغانستان طی می‌کند و براساس ارقامی که در سال ۲۰۰۹ نشر شده است، حوزه دریای هلمند حدود ۴۵٪ خاک افغانستان را و تنها ۱۰٪ منابع آبی کشور را احتوا می‌کند. نزدیک به ۱۰ میلیون نفر در این منطقه زنده‌گی می‌کنند. این دریا شریان حیاتی سیستان باستان بوده و در حوزه آن مدنیت‌های مشهور شکل گرفته است. شهرت کندوی آسیا در گذشته‌ها، برای سیستان از برکت این دریا به دست آمده بود. با شکل‌گیری مرزهای جدید، بخشی از حوزه دریای هلمند جزء خاک ایران شد. مرز کنونی در نیمه دوم قرن نوزدهم تحت نظارت بریتانیا ایجاد شد و تثبیت مرز و رسیدن به یک توافق بین‌المللی بر سر آب نزدیک به یک قرن وقت گرفت. اولین اقدام برای ساخت بند مشهور کمال‌خان در سال ۱۹۳۶ آغاز شده بود و در سال ۲۰۲۱، چند ماه پیش از آن که طالبان دوباره به قدرت برسند، تکمیل گردید. در تمام این سال‌ها ایران نسبت به ساخت بند کمال‌خان معترض بوده و پروژه‌های زراعتی و آبی در مسیر دریای هلمند را به دیده شک می‌نگرسته است، تا جایی که در آخرین مرحله اعمار بند کمال‌خان، دولت ایران به حمایت از حملات مسلحانه علیه این پروژه متهم گردید.

تتش بر سر این آب تقریباً در تمام این نزدیک به ۱۵۰ سال کم‌وبیش جریان داشته و تنها زمانی که اداره‌ای در افغانستان وجود نداشته و آب بدون حداقل مدیریت به‌طور طبیعی به آن سوی مرز جریان داشته، طرف ایرانی سکوت کرده است. اما این تنش‌ها همیشه به آب و زنده‌گی ساکنان حوزه هلمند ارتباط نداشته، بلکه گاهی آب وسیله‌ای برای چانه‌زنی‌های سیاسی فراتر از آب می‌شود، مصارف داخلی دارد و ابزار تبلیغات و برنامه‌ریزی‌های پنهان سیاسی می‌گردد. در تنش‌های اخیر نیز نشانه‌های غیرآبی را می‌توان دید.

### آن سوی دعوای آب

ابراهیم ریسی، رییس جمهور ایران، در سفری که به تاریخ ۱۸ ماه جاری میلادی به سیستان و بلوچستان داشت، به رسانه‌ها گفت: «به حاکمان افغانستان اخطار می‌کنم، حبابه مردم استان سیستان و بلوچستان را بدهند... حرف ما را جدی بگیرید تا بعداً گلایه نکنید.» سیستان و بلوچستان در یک سال گذشته شاهد اعتراضات گسترده علیه حکومت ایران بوده است. واکنش دولت در برابر معترضان نیز شدید بوده است. دو هفته قبل از سفر ریسی، رسانه‌ها خبر دادند که در جریان پنج روز ۲۰ تن در آن ولایت اعدام شدند. یک روز بعد از آن گزارش خبر اعتراض مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت مسجد جامع مکی شهر زاهدان، نشر شد که خطاب به دولت ایران گفت: «هنر جمهوری اسلامی اعدام است. حکومت ایجاد کرده‌اید که اعدام کنید.»

تعدادی از آن افراد به اتهام قاچاق مواد مخدر اعدام شده بودند، اما مولوی عبدالحمید دولت را متهم کرد که به بهانه مواد مخدر، مخالفان و معترضان را مجازات می‌کند. او پرسیده بود: کدام دولت، ملت خود را می‌کشد؟ این‌همه کشتن درست نیست. اعدام را متوقف کنید. زدن کسی که اعتراض دارد، سلاح نیابرد و حرف



عکس: مولوی عبدالحمید در سخنرانی پنجم ماه می (پانزدهم نور) خطاب به حاکمان گفت: کدام دولت، ملت خود را می‌کشد؟ این همه کشتن درست نیست.

دارد، درست نیست. بگذارید حرف بزنند. دولت‌ها برای سرپوش گذاشتن روی مشکلات داخلی و انحراف ذهن مردم، از طرح مسایل فرعی و ایجاد تنش‌های مدیریت‌شده بسیار استفاده می‌کنند. دمیدن به آتش تعصبات و خشم ملی، به هدف کاهش فشارها در داخل کشور، امری معمول در سیاست است. بعید نیست که رییس جمهور ایران برای آن که تعهد دولتش را به حمایت از مردم سیستان و بلوچستان نشان دهد، معضله نه‌چندان پیچیده آب را که می‌توانست از طریق وزارت خارجه و سفارت ایران در کابل پی‌گیری کند، به یک بحث داغ رسانه‌ای میان افغانستان و ایران بدل کرد. اما بعد از گذشت روزها اکنون می‌بینیم که آن تهدیدها اثری بر جریان آب نگذاشته و واکنش سرد و نه‌چندان جدی کابل و قندهار را در پی داشته است. طالبان نیز که درگیر تنش‌های داخلی و فشارهای بسیار از سوی مردم و نهادهای بین‌المللی‌اند و در آن روزها مشغول جابه‌جایی‌هایی در سطح ریاست‌الوزرا و برخی مقام‌های دیگر بودند و مذاکراتی با امریکایی‌ها، قطری‌ها و سازمان ملل متحد داشتند، تنش لفظی بر سر آب را که از طالبان «حافظان» منافع ملی ترسیم می‌کرد، تهدید نه، بلکه باید فرصت یافته باشند.

### لابیان جنگ در تهران



عکس: ابوالفضل ظهروند از حکومت ایران خواست که از طالبان آب نخواهند و برای گرفتن آب در افغانستان سیاست کنند.

اگرچه این جدال‌ها در این فصل و زمانی که کاشته‌ها در منطقه گرم سیستان تشنه‌اند، دور از انتظار نیست، ولی در سطحی که مطرح شد، زبانی که برای طرح آن به کار رفت و به‌خصوص هم‌زمانی آن با ازسرگیری دور تازه گفت‌وگوهای طالبان و جامعه جهانی (بخوانیم امریکا و سازمان ملل) و سفر محمد بن عبدالرحمان آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر به قندهار، این شک را به وجود می‌آورد که تهدید ایران تنها برای آب نیست، بلکه پیام‌های سیاسی مهم‌تری با خود دارد.

استقبال گرم تهران از قدرت‌گیری طالبان این گمان را به وجود آورده بود که ایران برای دوران پس از خروج نیروهای امریکا تلاش دارد حلقاتی را در میان طالبان به آغوش گیرد و آن گروه را که در ناکامی یک روند دموکراتیک در همسایه‌گی ایران نقش ادا کرده و افغانستان را به مسیر نورمال برای منطقه، برگردانده بود، حمایت کند. در سنت سیاسی حاکم بر این منطقه که جمهوری اسلامی ایران خواهان دوام آن است، رهبران با انتخابات تعیین نمی‌شوند و قوانین دموکراتیک به پارلمان‌ها راه نمی‌یابند. افغانستان در بیست سال فاصله بین دو امارت طالبان، راه متفاوتی اختیار کرده بود. هنوز تبصره‌هایی در مورد حضور مشاوران ایرانی در قندهار و کابل شنیده می‌شود و این که گویا تهران به طالبان در ایجاد سیستم نظارت و سرکوب رسانه‌ها و تشکیل نیروی شبه‌نظامی وفادار به امیر طالبان، همکاری می‌کند. اما در هفته‌های اخیر نشانه‌هایی از یک چرخش در سیاست تهران در برابر طالبان، یا حداقل تردید در ادامه آن سیاست، آشکارا به مشاهده می‌رسد.



## سیلاب درغور؛

# شش تن کشته و شش تن زخمی شده اند



۸ صبح، غور

خیلی سیلاب زده و مردم را خساره مند کرده. ۱۰۰ من زمین آبی را که گندم کشت کرده بودیم، از بین برده. دو سه گاو را برده و باغ‌های منطقه را خراب کرده. تنها ۲۰۰ درخت سپیدار را از قریه ما سیل برده.»

سیلاب‌های آبی در غور خسارات هنگفت مالی به باشندگان مرکز و ولسوالی‌های این ولایت وارد کرده است. باشندگان ولسوالی تیوره غور نیز جاری شدن سیلاب‌ها را فاجعه‌بار توصیف می‌کنند و می‌گویند که همه کشت‌زارهای آنان در اثر سرازیر شدن سیلاب از بین رفته است. آنان می‌گویند که به شمول روستاهای سرسبد، ارسمه، سپیدارک، یخن بالا و سرپنک در چندین قریه دیگر این ولسوالی که در مسیر رودخانه عمومی قرار دارند، کشت و زراعت آنان نابود شده است.

محمد سلیم، یکی از باشندگان ولسوالی تیوره ولایت غور، می‌گوید: «در قریه سپیدارک، یخ بالا و سرپنک پنج پل عمومی خراب شده که یک قریه را به قریه دیگر وصل می‌کردند. جوی‌های آب بود که زمین‌های زراعتی خود را مردم آبیاری می‌کردند، هفت تا هشت جوی. سه منزل مسکونی و بیشتر از ۱۰ باغ که درخت‌های مثمر داشت و درخت‌های غیرمثمر بیشتر از ۱۰ هزار درخت نیست و نابود شد.» این باشندگان تیوره علاوه می‌کنند: «چندین حلقه چاه آب، سولرها، زمین‌های زراعتی که زیر کشت غله‌جات، علوفه‌جات و سبزیجات قرار داشت، از بین رفته که حدوداً ۱۰۰ هکتار زمین بوده است.»



مقام‌های طالبان در غور وارد شدن تلفات انسانی و زیان مالی به باشندگان منطقه مدرسه شهر فیروزکوه و منطقه کاکری ولسوالی پسابند این ولایت را تأیید کرده‌اند، اما در مورد خسارات وارده در ولسوالی تیوره چیزی نگفته‌اند. طالبان همچنان از برگزاری نشست اضطراری در آینده نزدیک به منظور رساندن کمک‌های اولیه به آسیب‌دیده‌گان سیلاب پسین در غور، خبر داده‌اند. هنوز روشن نیست که در این نشست اضطراری چه تصمیمی گرفته خواهد شد و نهادهای مدرسان چه زمانی به کمک آسیب‌دیده‌گان خواهند شتافت.

این باشندگان کاکری می‌افزاید: «از منطقه ما یک زن و یک مرد جان باخته‌اند. یک مسجد جامع بود در همین منطقه و مدرسه، هر دو تا را سیل خراب کرد. دیگر این که در همین بازار ما حدود ۱۰۰ دکان بود که هر دکان تقریباً بین پنج تا هشت لک افغانی خساره‌مند شده است. حتا دخل‌های پول را سیل برد و کتابچه‌های حساب دکان‌داران که تمام حساب‌و‌کتاب در آن بود، از بین رفت. یک هتل هم بود در بازار که آن هم ویران شده است.»



عبدالحی همچنان توضیح می‌دهد: «زمین‌های مردم زیاد خراب شد. همه گندم کشت کرده بودند، نصف آن را برد و نصف دیگرش را لای زده. تقریباً بیشتر از دو هزار جریب زمین زیر کشت در منطقه ما بود که از بین رفت. نزدیک به ۱۰۰ تا گوسفند، شش گاو و ۲۰ تا ۳۰ تابه و بزغاله که تا حالا معلومات داریم، تنها از همین قریه ما در سیل رفته است.»

عبدالقُدوس، باشندگان دیگر منطقه کاکری، از جاری شدن سیلاب‌ها متضرر شده است. او می‌گوید: «فعلاً هیچ چیزی نداریم؛ نه آرد، نه روغن، نه کمپل و نه هیزم. از موسسات می‌خواهیم که عاجل‌تر به ما یک آرد و روغن چیزی کمک کنند.»

سیلاب‌ها در شمار دیگری از روستاهای ولسوالی پسابند ولایت غور نیز زیان مالی هنگفتی برجای گذاشته است. محمد جمعه، باشندگان منطقه دهن دورودی، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «قریه ما هم

تلفات جانی، خسارات هنگفت مالی نیز برجای گذاشته است. محمدعظیم، باشندگان این روستا، می‌گوید: «۵۰ خانه در همین منطقه تخریب شده که ۲۰ خانه را سیل برداشت و برد و خانه‌های دیگر هم تمام داروندری که داشت را سیل برد. فقط دیوارهای خانه‌ها باقی مانده. بند آب بود که مردم از آن استفاده می‌کردند، آن را هم سیل تخریب کرد. کانال‌های آب دو طرف همین قریه بود که مسافت هر کدام آن یک کیلومتر بود، آن‌ها را هم سیل تخریب کرد.» این باشندگان محل می‌افزاید: «راه‌های رفت‌وآمد منطقه تخریب شده. باغ‌ها، درخت‌های مثمر و غیرمثمر از بین رفته و تقریباً بیش از هزار جریب زمین زراعتی که گندم کشت شده بود، از بین رفته. زنده‌گی مردم را سیل با خود برده است.»

همچنان باشندگان منطقه کاکری ولسوالی پسابند غور می‌گویند که اگر نهادهای مدرسان به وضعیت آنان رسیده‌گی نکنند، مردم این منطقه تلف خواهند سیلاب‌ها در این منطقه حدود ۱۰۰ دکان، ده‌ها منزل مسکونی، یک باب مدرسه، یک باب مسجد جامع و هزار جریب زمین زراعتی را تخریب و نزدیک به ۱۰۰ راس دام را تلف کرده است.

عبدالحی، یکی از باشندگان منطقه کاکری ولسوالی پسابند، می‌گوید که بارش شدید ژاله و به دنبال آن سیلاب آبی سبب وارد شدن خسارات جانی و مالی به باشندگان این منطقه شده است. به گفته او، در ظرف چند ساعت معدود همه داروندار مردم نیست و نابود شده است. عبدالحی توضیح می‌دهد: «چاشت روز بود، یک دفعه ژاله گرفت. بسیار ژاله‌های کلان و تیز می‌بارید. هنوز نیم ساعت تیر نشده بود که یک سیل آمد و مردم همه حیران ماندند. فقط همین قدر شد که هر کسی بتواند خود را از دکان بیرون بیندازد و به فکر جان خود شود. بسیار سیل کلان بود. خانه‌های مردم را خراب کرد، کل دکان‌های بازار تخریب شد.»

باران‌های غیرموسمی و سرازیر شدن سیلاب در فصل بهار همه‌ساله از شهروندان کشور قربانی می‌گیرد. در روزهای اخیر نیز سرازیر شدن سیلاب در مرکز و ولسوالی‌های غور، در کنار تلفات انسانی، زیان هنگفت مالی به باشندگان محل وارد کرده است. طبق اظهارات منابع محلی، در اثر جاری شدن سیلاب‌ها در شهر فیروزکوه و ولسوالی‌های تیوره و پسابند ولایت غور، شش تن به شمول چهار زن و یک کودک جان باخته و شش تن دیگر زخمی شده‌اند. همچنان ده‌ها خانه رهایشی، صدها جریب زمین زراعتی و ده‌ها باب دکان تخریب شده است.



منابع از منطقه «مدرسه» روستای شرقی شهر فیروزکوه به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که سیلاب‌های آبی در این منطقه جان چهار عضو یک خانواده را گرفته است. در این میان سه زن و یک کودک شامل‌اند. همچنان یک دختر جوان در پی جاری شدن این سیلاب‌ها مفقود شده است. بسم‌الله، باشندگان روستای مدرسه، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند: «ساعت ۱۲:۰۰ یا ۱۲:۳۰ بود که یک سیل شدید آمد. کسی به کسی کمک کرده نمی‌توانست. همین خانه همسایه ما که زنان بودند، یکی با طفل خود داخل خانه بود و سه سیاسر (زن) دیگر در دم خانه بودند که سیل همه را کشت و یکی را با خود برد. هر کاری کردیم، تا هنوز جنازه او پیدا نشده است.» سیلاب در منطقه مدرسه شهر فیروزکوه علاوه بر

## کمک نقدی سازمان بین‌المللی مهاجرت به ۸۸۸ خانواده در میدان وردک

میدان وردک

پس از بررسی‌ها در ولایت میدان وردک ۸۸۸ خانواده را که بیش‌ترین آسیب را از رهگذر جنگ، ناامنی و حوادث طبیعی متحمل شده‌اند، تحت برنامه حمایتی خود قرار داده است. بر بنیاد اطلاعات منابع محلی، در این میان نزدیک به ۵۰۰ خانواده به علت جنگ و حدود بیش از ۲۸۰ خانواده دیگر به علت رویدادهای طبیعی خانه‌های خود را از دست داده‌اند.

این کمک نقدی در حالی به خانواده‌های آسیب‌دیده در ولایت میدان وردک توزیع شده است که میزان خسارات ناشی از جنگ‌های مسلحانه اخیر در این ولایت به مراتب بیشتر است. در کنار آسیب‌رسیدن به مردم ملکی، صدها کیلومتر جاده و ده‌ها پل و پلچک نیز در شاهراه‌های کابل - قندهار و میدان وردک - بامیان در مربوطات آن ولایت تخریب شده است.

میدان وردک از ولایت‌های نزدیک کابل است. طالبان در جریان دو دهه گذشته در این ولایت حضور فعال داشتند. این ولایت هرگز گاهی گواه درگیری‌های خونین میان جنگ‌جویان طالبان و نیروهای امنیتی حکومت پیشین بود. در نتیجه این نبردها مردم ملکی تلفات جانی و زیان مالی زیادی متقبل شده‌اند. در کنار جنگ و ناامنی، حوادث طبیعی از جمله سرازیر شدن سیلاب‌های مدهش در مناطق کوهستانی این ولایت نیز گاه‌گاهی از باشندگان آن قربانی گرفته و خانه‌های رهایشی، مواشی و زمین‌های زراعتی آنان را نابود کرده است.

که زیان‌های رسیده به آنان به مراتب بیشتر از پول کمک‌شده است. زمزل، یکی از افرادی است که به‌تازگی کمک نقدی دریافت کرده است. او می‌گوید: «با این پول فقط می‌شود ضروریات اولیه را مرفوع بسازیم. اگر بخوایم مثل سابق دوباره صاحب خانه شویم با این کمک‌ها نمی‌شود.»

یکی دیگر از باشندگان میدان وردک که نمی‌خواهد نامش در این گزارش ذکر شود، از طالبان انتقاد می‌کند و می‌گوید که این گروه با سپر قرار دادن افراد ملکی و سنگر قرار دادن خانه‌های مردم به قدرت رسیده، اما حالا آسیب‌دیده‌گان را به حال خودشان رها کرده است. او می‌افزاید: «خو همین وضعیت سر ما را طالبان آوردند و حالا خودشان در دفترهای لوکس هستند و از حال ملت خبر ندارند. همین مردم بودند که از بام و دیوار و باغ ما سر حکومت و قطارها فیر می‌کردند و خانه‌های ما میدان جنگ بود. امروز نه حکومت سابق ماند و نه طالبان در منطقه ماند، هر کسی به راه خود رفت و مردم مانده و رنج و درد.»

جنگ و رویدادهای طبیعی، دو پدیده خان‌ومان‌سوز در افغانستان، بر زنده‌گی بیشتر شهروندان این کشور سایه افکنده است. با توجه به اوضاع بد اقتصادی در کشور، آسیب‌دیده‌گان این دو پدیده ویرانگر برای دوام زنده‌گی و برگشت به روند عادی، همواره چشم به راه دریافت کمک‌های بشری هستند. بخش کمک‌های بشری سازمان بین‌المللی مهاجرت،



اتاق، یک تشناب و یک آشپزخانه مبلغ ۱ هزار و ۴۷۲ دالر توزیع می‌شود و به خانواده‌هایی که خانه‌هایشان در قسمت کلکین و دروازه و در و دیوار نیاز به ترمیم دارد، مبلغ ۵۷۰ دالر توزیع می‌شود.»

احمد جاوید صدیقی، سروی‌کننده بخش کمک‌های بشری سازمان بین‌المللی مهاجرت در میدان وردک، گفته است که آنان براساس بررسی دقیق این خانواده‌ها را گزینش کرده‌اند. به گفته او، این کمک‌ها در اول جوزا توزیع شده است. صدیقی افزوده است: «این ۸۸۸ خانواده در مرکز و چند ولسوالی این ولایت سروی شده‌اند و خانواده‌هایی هستند که خانه‌هایشان بنابر دلایل مختلف تخریب شده و یا خساره دیده و با این پول می‌توانند دوباره صاحب سرپناه شوند.» دریافت‌کننده‌گان کمک‌های نقدی اما تأکید دارند

بخش کمک‌های بشری سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) به ۸۸۸ خانواده متضرر از جنگ‌ها و حوادث طبیعی پسین در مرکز و شش ولسوالی ولایت میدان وردک، کمک نقدی کرده است. این کمک‌ها زیر نظارت اداره آماده‌گی مبارزه با حوادث طبیعی طالبان، توزیع شده است. آسیب‌دیده‌گان در مرکز و ولسوالی‌های چلریز، چک، سیدآباد، نرخ و دایمیرداد میدان وردک از این کمک‌های نقدی مستفید شده‌اند. براساس اظهارات مسوولان سازمان بین‌المللی مهاجرت، شماری از خانواده‌هایی که در نتیجه نبردهای مسلحانه میان طالبان و نیروهای امنیتی حکومت پیشین متضرر شده‌اند، مستحق دریافت این کمک نقدی شناخته شده‌اند. در کنار آسیب‌دیده‌گان جنگ، شماری از خانواده‌هایی که در نتیجه سرازیر شدن سیلاب‌های سال گذشته خانه و زمین‌های زراعتی خود را از دست داده بودند، نیز از این کمک‌ها بهره‌مند شده‌اند.

فریدالله رحیمی، آمر آماده‌گی اداره مبارزه با حوادث طبیعی طالبان در میدان وردک، به رسانه‌ها گفته است که سروی این خانواده‌ها چندی پیش در هماهنگی با اداره بین‌المللی مهاجرت تکمیل شده است. او افزوده است: «این‌ها خانواده‌هایی هستند که در جریان جنگ و حوادث دیگر آسیب دیده‌اند. برای آتانی که خانه‌هایشان به کلی از بین رفته است برای اعمار دو



# ضرورت برخورد فنی با منازعه آب هلمند

در سال ۱۸۷۲، توافقی بین حکومت‌های وقت ایران و افغانستان صورت گرفت که به ایران اجازه می‌داد تا از دریای هلمند کانال‌های آبی حفر کرده و از آن استفاده کند؛ اما آن توافق‌نامه فاقد دقت و درایت کامل در مورد استفاده حقایق ایران از دریای هلمند بود.



سیدزمان هاشمی

دریاها به سمت خارج از کشور جریان دارند، در حالی که مردم افغانستان از بی‌آبی رنج می‌برند.

برای قرن‌های متمادی آب نقش مهم و حیاتی را در شکل‌دهی مناظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ملت‌ها و ایجاد تمدن انسانی در سراسر جهان ایفا کرده است. از صدها سال بدین سو، زمین‌های افغانستان توسط دریاها و رودهایی که در آن حک شده، خط حیات را در سراسر مناظر خشک آن ترسیم کرده، به‌شکل بسیار سنتی با ابزار ساده و بدون استفاده از تکنولوژی آبیاری گردیده است. با وجود این منابع آبی گسترده، مردم افغانستان خود را در یک وضعیت کنعانی می‌بینند- دریا‌های کشور آزادانه از مرزها عبور کرده و بیشتر از خود افغانستان به نفع کشورهای همسایه تمام شده‌اند. بهره‌برداران این منابع در حال فرار از کشور، در درجه اول ایران و پاکستان هستند. با آغاز پروژه‌های بلندپروازانه هایدروپوژیک افغانستان، پتانسیل افزایش تنش با همسایه‌گان شمالی‌اش نیز رو به افزایش است.

منابع آب اولیه افغانستان به شمول دریا‌های آمو، هلمند، کنر و کابل همه به بیرون از مرزهای کشور به خاک همسایه‌ها جریان دارند. ایران از این سخای آبی کشور ما که عمدتاً از رودخانه هلمند است، بهره قابل توجهی می‌برد، در حالی که پاکستان تا حد زیادی از دریا‌های کنر و دریای کابل سود می‌برد. هر دو کشور از مدت‌ها پیش این منابع را برای حمایت از زراعت و اقتصاد خویش و برآورده کردن خواسته‌های آبی خود اهرم قرار داده‌اند. در حالی که مردم افغانستان اغلب از کم‌یاب بودن منابع آب به‌ویژه در خشک‌سالی‌ها رنج می‌برند.

در دو دهه اخیر، افغانستان تلاش کرده است تا منابع آب خود را به‌طور موثرتری مدیریت و آن را مهار کند. در این راستا می‌توان به حفر کانال بزرگ قوشتپه از دریای آمو و ایجاد چندین بند برق و بند آب‌گردان در غرب و جنوب کشور اشاره کرد. هدف از حفر کانل قوشتپه، تامین نیازهای آبیاری افغانستان، افزایش تولیدات زراعتی و رشد اقتصادی کشور است. ایجاد و تاسیس بندهای برق و آب‌گردان به این معنا است که آب کمتری به کشورهای همسایه که سال‌های متمادی به‌صورت لجام‌گسیخته استفاده کرده بودند، جریان پیدا خواهد کرد. این امر منجر به تحریک تنش‌ها شده و به‌طور بالقوه به منبع اختلافات و منازعه آب تبدیل گردیده است.

در مناطق کم‌آب دشت‌زارهای خشک میان افغانستان و ایران، دسترسی به منابع آب کافی و دریافت حقایق افغانستان همواره مورد توجه بوده است. در قلب این سخن، رود/دریای هلمند قرار دارد که منبع آبی بسیار مهمی برای قسمت اعظم ولایت هلمند و حوزه سیستان و بلوچستان ایران به شمار رفته و همواره عامل دیرینه منازعه میان دو کشور بوده است. اخیراً موضوع آب به یک تنش جدی مبدل شده و حتی هشدارهای میان حاکمان دو کشور ردوبدل گردیده است.

دریای هلمند یکی از طولانی‌ترین دریا‌های

افغانستان است که در نهایت به کشور همسایه منتهی می‌شود. از کوه‌های هندوکوش سرچشمه می‌گیرد و مسیر خود را به سمت جنوب‌غرب کشور ادامه می‌دهد و سپس به سیستان و بلوچستان ایران جریان می‌یابد و به تالاب هامون در سیستان و بلوچستان می‌ریزد. این دریا و شاخه‌های آن در این مناطق و سرزمین‌های خشک نقش حیاتی برای زراعت و معیشت مردمان منطقه دارد؛ اما بیش از یک قرن است که آب آن در مرکز تنش‌های دیپلماتیک میان افغانستان و ایران قرار دارد.

در سال ۱۸۷۲، توافقی بین حکومت‌های وقت ایران و افغانستان صورت گرفت که به ایران اجازه می‌داد تا از دریای هلمند کانال‌های آبی حفر کرده و از آن استفاده کند؛ اما آن توافق‌نامه فاقد دقت و درایت کامل در مورد استفاده حقایق ایران از دریای هلمند بود. ایهام در متن و نارسا بودن کلمات آن موافقت‌نامه، مورد تفسیرهای متفاوت میان دو کشور قرار گرفت و باعث ایجاد تنش‌های بیشتر شد. آن اختلاف نظر‌ها در دهه‌های بعد افزایش یافت و باعث شد تا در سال ۱۹۷۳ موافقت‌نامه دریای هلمند میان دو کشور توسط موسا شفیق، نخست‌وزیر افغانستان و امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر ایران، به امضا برسد. هدف از این موافقت‌نامه، تقسیم و تخصیص صریح منابع آب میان دو کشور بود؛ اما باز هم نتوانست اختلافات را به‌طور کامل حل کند، عمدتاً به دلیل زبان گنگ و مبهم و نبود پارامترهای واضح تخنیکی برای تقسیم آب.

تا امروز موضوع تخصیص آب از رود هلمند حل‌نشده باقی مانده و یک بار دیگر به تنش جدی میان حاکمان دو کشور مبدل گردیده است. در دو دهه گذشته تلاش‌های افغانستان جهت مهار آب این دریا برای پروژه‌های آبیاری و بند برق، اغلب با مقاومت و مخالفت‌های جانب ایران همراه بود که نگران کاهش بالقوه جریان آب است و این پروژه‌ها می‌توانند باعث آن شوند. تغییرات اقلیمی، خشک‌سالی‌های دوام‌دار، خشک شدن تالاب‌های هامون، رشد نفوس و توسعه کشت و زراعت در ولایات مسیر این دریا در هر دو کشور، این اختلافات را تشدید کرده است.

نگرانی‌های ایران ریشه در تاثیر بالقوه کم‌آبی بر ولایت سیستان و بلوچستان این کشور دارد؛ منطقه‌ای که به‌شدت متکی بر آب دریای هلمند برای زراعت و حفظ اکوسیستم شکننده خود است. کاهش جریان آب دریای هلمند به سمت ایران، باعث شده است تالاب‌های هامون که زمانی پررونق بود، خشک شود و این امر منجر به توفان‌های شدید گرد و غبار، کوچ و بی‌جایی مردم و شیوع امراض گردد.

از سوی دیگر، افغانستان بر حق خود در استفاده از منابع آبی خود به منظور حمایت از رشد اقتصادی و تامین منابع آبی کافی و انرژی برق برای یکی از فقیرترین کشورهای جهان و نفوس رو به رشد خود تاکید می‌کند. افغانستان در سال‌های اخیر خشک‌سالی‌های شدیدی را تجربه کرده است که منجر به نارسایی محصولات و کمبود مواد غذایی گردیده است. این وضعیت، باعث توريد حجم بزرگ از مواد اولیه از بیرون کشور شده است. مهار آب بیشتر از دریای هلمند به‌عنوان بخش مهمی از

راه‌حل این مشکلات دیده می‌شود.

واکنش کشورهای همسایه، به‌ویژه در دو دهه اخیر، وضعیت را پیچیده‌تر ساخته است. آن‌ها به‌طور مداوم مخالفت خود را با هر گونه تلاش افغانستان برای کنترل بر منابع آب این کشور، ابراز داشته‌اند. استدلال کلیدی عبارت از تاثیر بالقوه به منابع آبی کشورهای همسایه و حقایق‌های آن‌ها و بر امنیت آب و تعادل محیط زیستی‌شان بوده است.

بحران آب افغانستان به یک واقعیت ضروری در مدیریت آب‌های مرزی اشاره می‌کند؛ در حالی که دریاها به مرزهای سیاسی احترام نمی‌گذارند، اما انسان‌ها باید احترام بگذارند. از نظر حکومت‌داری موثر آب و مدیریت سالم منابع طبیعی لازم است تا اطمینان حاصل شود که تمام کشورها با مدیریت موثر این منابع حیاتی به‌طور عادلانه خدمت کرده و عواقب و تاثیرات سوء محیط زیستی و بحران اقتصادی را در یکی از فقیرترین کشورهای جهان به حداقل برسانند.

حل منازعه آب دریای هلمند مستلزم توازن دقیق تخنیکی بین حق افغانستان برای استفاده از منابع آبی خودش و دادن حقایق ایران براساس موافقت‌نامه تاریخی سال ۱۹۷۳ برای جلوگیری از بحران طبیعی و انسانی در آن کشور است. تغییرات اقلیمی، خشک‌سالی و کاهش سطح آب، نیاز فوری به استراتژی‌های موثر مدیریت آب میان دو کشور را برجسته می‌سازد.

به گمان من هشدار و تهدید ره به جایی نمی‌برد، بلکه همکاری‌های تخنیکی و مالی میان دو کشور می‌تواند برای دستیابی به یک راه‌حل پایدار، حیاتی باشد. این امر ممکن است شامل سرمایه‌گذاری‌های مشترک روی تکنولوژی‌های موثر مدیریت آب و زیرساخت‌ها، مانند سیستم‌های آبرسانی و آبیاری مدرن، برای کاهش ضایعات آب در بستر دریا به نفع زارعان دو کشور شود. اما حاکمان کنونی افغانستان از مشروعیت ملی و بین‌المللی و درایت و کفایت لازم برای مدیریت موثر منابع آبی کشور برخوردار نیستند.

علاوه بر این، میانجی‌گری سازمان‌های بین‌المللی بی‌طرف نیز می‌تواند در بررسی این موضوع پیچیده مفید باشد. سازمان‌های بین‌المللی با تخصص خود در مدیریت آب و تجارب حل اختلاف بر سر آب میان کشورها، می‌توانند دیدگاه بی‌طرفانه‌ای را فراهم کنند و روند تقسیم آب را به سوی یک توافق عادلانه و پایدار هدایت نمایند.

منازعه آب دریای هلمند میان افغانستان و ایران بر چالش گسترده‌تر جهانی مدیریت آب‌های مرزی تاکید می‌کند. وضعیت به‌عنوان یک یادآوری آشکار است که آب، یک منبع اساسی برای زندگی و رفاه، می‌تواند تبدیل به یک منبع بزرگ تنش و درگیری میان کشورها شود، در صورتی که با استفاده از راه‌های مسالمت‌آمیز و همکاری‌های مشترک تخنیکی و تکنولوژیکی مشترک، با آینده نگرایی مدیریت نشود.

حل منازعات آب یک موضوع ساده نیست. این امر نیاز به درک متقابل، همکاری تخنیکی و مالی و میانجی‌گری بین‌المللی دارد. سرمایه‌گذاری روی تکنولوژی‌های موثر مدیریت آب، سیستم‌های آبیاری مدرن و زیرساخت‌ها می‌تواند به افغانستان و همسایه‌گانش در استفاده از مزایای منابع آب کمک کند. در همین حال، افغانستان باید به توسعه سیاست‌های مدیریت آب خود بپردازد تا استفاده پایدار از آب که به نفع مردمش است و به توسعه اقتصادی کشور کمک می‌کند، تضمین شود.

اصل چالش نه در خود آب، بلکه در این است که چگونه حکومت‌ها می‌توانند این منبع ارزشمند را به نفع مردمان‌شان مدیریت موثر و سالم کنند. آب یک منبع برای همکاری و رفاه مشترک بوده می‌تواند، نه منبع منازعه و تفرقه. دریا‌های افغانستان در حالی که از مرزهایش فراتر می‌روند، در درجه اول باید نیاز آبی زمین و مردم خود را تامین کنند.

از صفحه ۴

## بحران آب؛

مصاحبه چند روز قبل ابوالفضل ظهروهوند، سفیر سابق ایران در کابل، با موسسه مطالعاتی تحریریه، نکاتی در مورد سرخورده‌گی برخی حلقات از ادامه سیاست کنونی تهران در برابر طالبان داشت. او بسیار بی‌پرده دولت ایران را تشویق به حمایت از مخالفان طالبان کرد و موضع‌گیری ریسی را در مساله آب غیرموثر خواند. او حل مساله آب را با وجود طالبان ممکن ندانست و گفت که باید برای استقرار حکومتی در افغانستان کار کنیم که قادر به اجرای تعهداتش باشد. او گفت دیپلماسی آب تنها مساله رسیده‌گی به امور فنی آب نیست، بلکه آب باید در دیپلماسی کلان کشور قرار داده شود و «دولتی را حمایت کنید و جریان‌هایی را روی کار بیاورید که به توافقات گذشته متعهد باشند.»

او به این باور است که طالبان توسط امریکایی‌ها به قدرت برگشته‌اند و ایران در میدانی که امریکا تعیین کرده، وارد بازی شده است. به دلیل روابطی که آقای ظهروهوند با سپاه و نیروهای امنیتی ایران دارد، به نظر نمی‌رسد او تنها نظر شخصی‌اش را در آن مصاحبه بیان کرده باشد، بلکه به احتمال زیاد صدای طیفی شده است که می‌خواهند در میدان افغانستان فعالانه‌تر و در برابر امریکایی‌ها بازی کنند. جمهوری اسلامی ایران بیشتر عمر بیش از چهار دهه‌اش را در جنگ گذرانده و غیر از آن هشت سالی که با عراق و صدام حسین در داخل خاک و اطراف مرزهایش جنگید، بارها از فلسطین و لبنان تا عراق و سوریه، افغانستان و حتی شمال افریقا در جنگ‌های مستقیم یا نیابتی دخیل بوده است. در این سال‌ها به کمک پول‌های نفت، شبکه‌های قدرت‌مند تولید و تجارت جنگ و اسلحه در ایران به وجود آمده است. این شبکه‌ها در جنگ‌های سوریه و عراق، در همکاری با روسیه، بسیار قدرت‌مند شدند. صدها هزار نیروی آموزش‌دیده داخلی و خارجی را بسیج کردند. با فرونشستن شعله‌های جنگ سوریه و عراق، آن ماشین قدرت‌مند و شبکه‌های پرنفوذ بی‌مضمون مانده و در پی میدان جدید برای زورزمایی‌اند.

تنها ایران چنین نیست، در کشورهای دیگری که صاحب صنایع و شبکه‌های پرقدرت جنگی‌اند و میان فابریک‌های تسلیحاتی و اقتصاد و سیاست آن‌ها روابط مستحکم ایجاد شده است، از جمله ایالات متحده امریکا، نفوذ لابی‌های جنگ و صنایع تسلیحاتی زبان‌زد خاص و عام است. تصادفی نیست که شعله جنگ‌هایی که امریکا طی نزدیک به یک قرن در آن‌ها مستقیم یا غیرمستقیم دخیل بوده، هرگز خاموش نشده است. در نزدیک به ۵۰ سال اخیر، میدان اصلی این جنگ‌ها افغانستان و خاورمیانه بوده و هر گاه یک‌جا آتش جنگ فروکش می‌کرده، جای دیگر شعله‌ور می‌شده است. در گرفتن جنگ اوکراین پس از تسلیمی افغانستان به طالبان و پایان درگیری‌ها در سوریه و عراق آخرین نمونه است. اکنون که جنگ در اوکراین زبانه می‌کشد و ایران نمی‌تواند دست مستقیم در آن داشته باشد، لابی‌ها و شبکه‌های ایرانی که از جنگ تغذیه می‌کنند، برای باز شدن میدان تازه لحظه‌شماری می‌نمایند. از موضع‌گیری‌های اخیر مقام‌های ایران و مصاحبه مفصل ابوالفضل ظهروهوند می‌توان استنباط کرد که فشارها برای انجام کارهای مقدماتی و آماده‌گی برای یک جنگ نیابتی در خاک افغانستان، در تهران رو به افزایش است. ظهروهوند از دولت ایران خواست که برای یک بازی فعال منطقه‌ای آماده شود تا اگر به گفته او طرح امریکا برای فروپاشی پاکستان به نتیجه برسد، برای سهم گرفتن از بلوچستان و افغانستان آماده باشد. او گفت که روس‌ها شمال افغانستان را ساحه نفوذ خود می‌دانند و به دیگران اجازه نخواهند داد که آن‌جا خلاف منافع روسیه کاری انجام دهند. اگرچه او نگفت که کجای افغانستان ساحه نفوذ ایران است، ولی با ذکر این‌که ایران باید به استقرار دولتی در افغانستان یاری رساند که تعهداتش را اجرا بتواند، از جبهه مقاومت و مخالفان طالبان حمایت کند و میلیون‌ها مهاجر افغان را کمک نماید تا خود را انسجام بخشند، بی‌پرده از حمایت جنگ نیابتی سخن گفت.

ایران به تنهایی نمی‌تواند در افغانستان جبهه جنگ باز کند؛ اما در صورتی که روسیه، چین، هند و امریکا نیز تداوم وضعیت جاری را به‌صرفه ندانند، آنگاه حکومت ایران همان طوری که در دوران جهاد، جنگ‌های داخلی و شورش طالبان در شعله‌ور نگه‌داشتن جنگ نقش بازی می‌کرد، این بار نیز «سهمش» را ادا خواهد کرد. اگر روزی جنگ اوکراین فروکش کند و لابی‌گران اسلحه و جنگ در جست‌وجوی میدان دیگری شوند، آیا افغانستان و آسیای میانه «در پلان» نخواهند آمد؟ آیا ما برای جلوگیری از افتادن به دور تازه خشونت‌ها، چه می‌توانیم؟



# خلیل زاد به جای طالبان سخن می گوید

خلیل زاد می‌خواهد طالبان را تحریک به جنگ افروزی کند؛ چون می‌داند که آمریکا از شعله‌ور شدن آتش جنگ میان طالبان و ایران خرسند می‌شود. یکی از اهداف آمریکا این است که طالبان برای ایران و بقیه رقیبان منطقه‌ای آن، مایه ناآرامی باشند؛ چون ایران را رقیب خود می‌داند و بدیهی است که برای به زمین زدن آن از هیچ نوع تلاشی فروگذار نمی‌کند.



شجاع الدین امینی

در ذهن مقام‌های ایرانی القا می‌کند.

است که ایران گویا علیه افغانستان زورگویی می‌کند. با این بیان، می‌خواهد افکار عمومی در افغانستان را ضمن آن که معطوف به خود سازد، علیه ایران برانگیزاند و تصویر ناخوشی را که از وی در ذهن‌ها ترسیم شده است، اندکی تلطیف کند.

۴- او می‌خواهد سخن همیشه‌گی‌اش را تکرار کند که گویا طالبان تغییر کرده‌اند. برای نمونه، گفته است: «طالبان نشان داده‌اند که به معاهده ۱۳۵۱ پابندی دارند»<sup>۳</sup>. با این بیان می‌خواهد بگوید که طالبان، طالبان گذشته نیستند و به آداب، قواعد و عرف بین‌المللی و هم‌جواری التزام دارند و این همسایه‌گان طالبان هستند که بر طبل جنگ می‌کوبند و از تن دادن به گفت‌وگو پرهیز می‌کنند. خلیل زاد به این نمی‌اندیشد طالبانی که دیروز توافق‌نامه دوحه را با ایشان به امضا رساندند، از عملی کردن مفاد آن سر باز می‌زنند و قریب به دو سال است که دنیا نمی‌تواند این گروه را در مسیر تحقق مفاد آن هدایت کند، چطور می‌شود به معاهده‌ای که از سوی آن‌ها به امضا نرسیده و از مفاد آن به درستی آگاهی ندارند، التزام داشته باشند. اگر فرض را بر التزام طالبان به معاهده فوق بگیریم، پس کله‌شقی، یک‌دنده‌گی و حدناشناسی این گروه در زمینه ایجاد حکومت فراگیر، رعایت حقوق بشر و پرهیز از شکنجه، محاکمه صحرایی و تجاوز به عنف و... چه می‌شود؟ نادیده‌انگاری این همه مظالم با خیال آن که طالبان به رقیبان کشورهای غربی درد سر می‌آفرینند، ستم روشن علیه مردم افغانستان است. همین‌طور اگر کشورهای منطقه با خیال آن که طالبان روحیه غرب‌ستیزانه دارند، در جهت تطهیر این گروه تلاش ورزند، بر مردم افغانستان ستم روا داشته‌اند.

طالبان از بدو برگشت به قدرت تا این دم بارها با کشورهای همسایه از جمله پاکستان، ایران، ترکمنستان، تاجیکستان و اوزبیکستان در مرزها درگیر شده‌اند. این درگیری‌ها خسارات و تلفاتی نیز در پی داشته است. از این میان، بیش‌ترین درگیری‌های مرزی با ایران و پاکستان بوده است. عامل این درگیری‌ها بیش‌تر طالبان بوده‌اند تا کشورهای همسایه. مرزبانان طالبان یا از سر ناآگاهی (بیگانه‌گی با آداب مرزبانی) و یا ماجراجویی با مرزبانان کشورهای همسایه درگیر شده‌اند. اگر طالبان را آن گونه که خلیل‌زاد گفته است، دولتمردان خویشتن‌دار بدانیم، لازمه خویشتن‌داری پرهیز از جنگ با همسایه‌هاست نه ورود به جنگ با بهانه‌های سطحی.

۱. ر. ک.: <https://www.afintl.com>  
۲۰۲۳۰۵۲۴۱۹۴V/com  
شماره پیوست لینک را گوگل کنید.

۲. پیشین  
۳. پیشین

۲- خلیل‌زاد می‌خواهد که نگاه کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا را نسبت به طالبان دگرگون کند. میان کشورهای غربی و طالبان ظاهراً شکاف دیده می‌شود. این کشورها به پیمان‌های کشورهای منطقه با طالبان گرم نگرفته‌اند. مهم‌ترین علت آن نقض حقوق زنان و حقوق بشر از سوی طالبان خوانده می‌شود. خلیل‌زاد با این اظهار نظر می‌خواهد کشورهای غربی را به حمایت از طالبان و چشم‌پوشی از عمل‌کرد این گروه ترغیب کند؛ چون به زعم ایشان، طالبان به مطالبات ایران (رقیب کشورهای غربی) تن در نمی‌دهند و از این‌رو، شایسته حمایت هستند. ایشان به نحوی تلاش می‌کند همه ناروایی‌های انجام‌شده از سوی طالبان را با برجسته‌ساختن منازعه حقایق لاپوشانی کند. مزید بر این، تحریک طالبان با ایستاده‌گی علیه ایران می‌تواند افکار عمومی در افغانستان را معطوف به حمایت از طالبان کند؛ کاری که طالبان را به کسب مشروعیت داخلی نزدیک خواهد کرد و این مطلوب خلیل‌زاد است.

۳- خلیل‌زاد می‌خواهد که تصویر ملی‌گرا از خود به نمایش بگذارد. به این معنا که نماینده‌گی از منافع آمریکا گویا او را در قبال منافع افغانستان بی‌پروا نکرده است. در بخشی از سخن ایشان چنین آمده است: «رهبران ایران، افغانستان را با طیف وسیعی از اقدامات خصمانه از جمله جنگ، تهدید می‌کنند»<sup>۲</sup>. از خلیل‌زاد تصویر ناخوشی در ذهن‌ها نقش بسته است. بسیاری‌ها، عمل‌کرد او را در سقوط دولت پیشین و روی کار آمدن مجدد طالبان موثر می‌دانند. درست است که در سقوط دولت پیشین عوامل زیادی در کار بوده، اما توافق‌نامه‌ای که خلیل‌زاد از نشانی آمریکا با طالبان به امضا رساند، مهم‌ترین عامل دانسته می‌شود. ایشان، ماهرانه به‌جای «طالبان» از «افغانستان» نام برده و گفته

زلمی خلیل‌زاد، نماینده پیشین آمریکا در امور صلح افغانستان بود. در نتیجه تلاش‌های او بود که توافق‌نامه صلح دوحه میان آمریکا و طالبان امضا شد. نتیجه‌ای که آن توافق‌نامه به دنبال داشت، خروج نظامیان آمریکا از افغانستان، سقوط دولت پیشین و روی کار آمدن مجدد طالبان بود. ایشان به‌تازه‌گی در باب منازعه حقایق میان طالبان و ایران چنین ابراز نظر کرده است: «طالبان در موضوع حقایق ایران از رودخانه هلمند، خویشتن‌دارانه و دولتمردانه رفتار کرده‌اند»<sup>۱</sup>. ایشان به توییت‌زدن در توجیه عمل‌کرد طالبان شهره است و بار اول نیست که چنین می‌کند.

**پرسشی که در زمینه مطرح می‌شود، این است که خلیل‌زاد با این ابراز نظر چه هدفی را دنبال می‌کند؟**

۱- خلیل‌زاد می‌خواهد طالبان را تحریک به جنگ افروزی کند؛ چون می‌داند که آمریکا از شعله‌ور شدن آتش جنگ میان طالبان و ایران خرسند می‌شود. یکی از اهداف آمریکا این است که طالبان برای ایران و بقیه رقیبان منطقه‌ای آن، مایه ناآرامی باشند؛ چون ایران را رقیب خود می‌داند و بدیهی است که برای به زمین زدن آن از هیچ نوع تلاشی فروگذار نمی‌کند. البته، همین‌طور ایران هم می‌خواهد حس امریکاستیزی را در ذهن طالبان زنده نگه دارد. خلیل‌زاد به طالبان می‌خواهد چراغ سبز نشان دهد که در صورت درگیر شدن با ایران، قدرتی به بزرگی آمریکا در کنارشان ایستاده است. خلیل‌زاد را می‌توان حنجره بلند آمریکا نام داد. مقام‌های ایرانی با توجه به درک این خطر می‌کوشند در مواجهه با طالبان محتاطانه قدم بردارند تا مبادا این گروه تبدیل به ابزاری در دست آمریکا علیه منافع ایران شود. مسلح‌بودن طالبان با اسلحه امریکایی این خطر را بیش‌تر

## عفو بین‌الملل: محدودیت‌های طالبان در برابر زنان و دختران باید به‌عنوان جنایت علیه بشریت بررسی شود

۸صبح، کابل: سازمان عفو بین‌الملل گفته است که محدودیت‌های شدید طالبان و سرکوب غیرقانونی حقوق زنان و دختران از سوی این گروه، باید به‌عنوان جنایات احتمالی تحت قوانین بین‌المللی، از جمله جنایت علیه بشریت و آزاروادی جنسیتی بررسی شود. سازمان عفو بین‌الملل روز جمعه، ۵ جوزا، به همکاری کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان گزارشی را تحت عنوان «جنگ طالبان علیه زنان: جنایت علیه بشریت، آزار و اذیت جنسیتی در افغانستان» نشر کرده است. در گزارش آمده است که دادستان‌های دادگاه کیفری بین‌المللی باید جنایت علیه بشریت را در تحقیقات جاری خود در مورد وضعیت افغانستان در نظر بگیرند. در این گزارش به موارد گسترده نقض حقوق بشر در افغانستان، از جمله ناپدید شدن اجباری، محدودیت‌های طالبان در برابر زنان، شکنجه، زندان و سایر بدرفتاری‌ها اشاره شده است. عفو بین‌الملل و کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان تصریح کرده‌اند که کارزار آزاروادی جنسیتی طالبان از شدت و ماهیت سیستماتیک برخوردار بوده و هدف آن به حاشیه راندن زنان و دختران در افغانستان است.

این دو نهاد همچنان از کشورها خواسته‌اند که از صلاحیت جهانی یا سایر ابزارهای قانونی استفاده کنند تا اعضای طالبان متهم به ارتکاب جنایات تحت قوانین بین‌المللی را به دست عدالت بسپارند. در گزارش محدودیت‌ها در برابر زنان و دختران «جنگ علیه زنان» و تلاشی برای تبدیل زنان به‌عنوان شهروندان درجه دوم عنوان شده است. طبق نوشته‌های این گزارش، محدودیت‌های تبعیض‌آمیز طالبان در برابر زنان و دختران ناقض ضمانت‌های حقوق بشری مندرج در معاهدات بین‌المللی متعدد، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودکان است.

گفتنی است که طالبان پس از سلطه شان بر افغانستان محدودیت‌های زیادی را علیه زنان و دختران وضع کرده‌اند. هم‌اکنون دختران به مکتب و دانشگاه نمی‌روند و زنان نیز توسط طالبان از کار منع شده‌اند.





کاخ سفید اعلام کرده است که جو بایدن، رییس جمهور امریکا، جنرال چارلز کویینتون براون را برای ریاست ستاد مشترک ارتش این کشور برگزیده است. یورونیوز گزارش داده که کویینتون، امروز (پنجشنبه، ۲۵ می) به مجلس سنای امریکا معرفی شده است که در صورت تایید، وی پس از کالین پاول، دومین سیاهپوستی خواهد بود که به این سمت گماشته می شود. به این ترتیب قرار است چارلز براون، جایگزین مارک میلی، رییس فعلی ستاد مشترک ارتش امریکا شود. براون، افسر ارشد نیروی هوایی ارتش امریکا است که پیش از این در اوقیانوس آرام وظیفه اجرا کرده است. با این حال، دیده شود که مجلس سنا به انتخاب بایدن رأی مثبت می دهد یا خیر.

## عمران خان ممنوع الخروج شد

من در این فهرست تشکر کنم چون برنامه ای برای سفر به خارج از کشور ندارم. این در حالی است که عمران خان در ۹ می سال روان میلادی در دادگاهی در اسلام آباد به اتهامات فساد مالی بازداشت شد. بازداشت خان سبب شکل گیری موجی از اعتراضات گسترده و خشونت بار هواداران وی در سراسر پاکستان شد. در پی این اعتراض ها، درگیری های خشونت آمیز میان معترضان و پولیس رخ داد، ساختمان های دولتی به آتش کشیده شد و خساراتی به تاسیسات نظامی نیز وارد شد.

در این راستا نامه هایی به تمامی میدان های هوایی و مبادی خروجی پاکستان ارسال شده تا بنابر دستور رسمی هیچ یک از این افراد نتوانند پاکستان را ترک کنند. اسد عمر، فواد چوهدری، ملکه بخاری، قاسم سوری، اسد قیصر، مراد سعید، حماد ازهر، یاسمین رشید و میان اسلم اقبال از سران برجسته حزب تحریک انصاف هستند که در فهرست پرواز ممنوع قرار گرفته اند. در همین حال، آقای خان در واکنش به این تصمیم در صفحه توئیترش نوشت: «من می خواهم از دولت بابت قراردادن نام

بربنیاد گزارش ها، عمران خان، نخست وزیر پیشین و رهبر حزب تحریک انصاف پاکستان، بشرا بی بی، همسرش و ده ها تن از رهبران و فعالان این حزب در فهرست شناسایی ملی موقت اژانس تحقیقات فدرال قرار گرفته و ممنوع الخروج شده اند. رسانه های پاکستانی روز جمعه، ۲۶ می، گزارش داده اند که این تصمیم به درخواست نهادهای مختلف دولت های فدرال و ایالتی، از جمله اژانس تحقیقات فدرال پاکستان، دفتر ملی پاسخگویی و پولیس این کشور اتخاذ شده است.



## مقام ارشد وزارت امور خارجه امریکا در امور چین از سمتش کناره گیری می کند

کناره گیری واترز جدیدترین مورد از تغییرات اخیر در مقامات امریکایی است که در خصوص مدیریت روابط پرتنش واشنگتن با پکن نقش دارند.

به دنبال تیره شدن تنش ها میان واشنگتن و پکن، چهار منبع آگاه به رویترز گفته اند که ریک واترز، مقام ارشد وزارت امور خارجه امریکا در امور چین قرار است از سمت خود کناره گیری کند.

بربنیاد این گزارش، واترز روز چهارشنبه، ۲۴ می، در نشستی با کارمندان خود اعلام کرده است که تا پایان ماه جون وظیفه اش را ترک خواهد کرد.

تا کنون انگیزه کناره گیری او از این سمت معلوم نیست.

کناره گیری واترز جدیدترین مورد از تغییرات اخیر در مقامات امریکایی است که در خصوص مدیریت روابط پرتنش واشنگتن با پکن نقش دارند.

در ماه فبروری، شورای امنیت ملی کاخ سفید کناره گیری لورا روزنبرگر، مدیر ارشد این شورای در امور چین و تایوان را اعلام کرد.

پس از آن، در اوایل ماه جاری وزارت امور خارجه امریکا اعلام کرد که وندی شرم، معاون وزیر امور خارجه این کشور که بخش بزرگی از تعاملات دیپلماتیک واشنگتن با چین را رهبری کرده است نیز بازنشسته خواهد شد. گفتنی است که روابط چین و ایالات متحده در ماه های اخیر به دلیل دیدارهای مکرر سیاستمداران ارشد امریکایی از تایوان و همچنان تحریم های این کشور علیه پکن سبب افزایش تنش میان آن کشورها شده است.

تحلیلگران باور دارند که روابط بین دو اقتصاد بزرگ جهان در بدترین نقطه خود در دهه های اخیر قرار دارد؛ زیرا، رقابتی استراتژیک بر سر موضوعاتی از تایوان گرفته تا تجارت با هم درگیر شده اند.

## ۸ صبح

روایت دبروز آئینه امروز نوبه فردا

## روایات ابوزیتون

### زکریا اوصاف و کمالات شیخ عبدالکبیر کفیل الوزرا

آن کفیل ریاست الوزرا، آن دست گیرنده فقرا، آن عاشق آلات موسیقی ضربی، آن دارنده مقادیر فراوان گوشت و چربی، آن بوده در گذشته معاون ملا ربانی، آن رقیب درجه اول سراج الدین حقانی، آن مستشار تیم قطر، آن برای هیت الله نور بصر، آن گیرنده روزه بدون افطار، آن انتقال دهنده پایتخت به قندهار، شیفته محتویات قندانی، مولانا شیخ عبدالکبیر عثمانی، از پیروان مکتب حماسی بودی و روزگاری معاون سیاسی بودی. چون از مادر بزاد، گویا حق شش فرزند دیگر را خورده باشد، به شدت فربه و چاق بودی. پس چون جوان گشتی، پدر گفتش که ای پسر از بهر جهاد و جنگ به سنگر شو. گفت: یا پدر، نشوم که حتا اگر با چشم بسته تیر اندازند، بر من خورد از بس که منطقه وسیعی را احتوا بنموده ام. پس همیشه در نبردها پشت سر لشکر برفتی و هر نیمه جانی که از نزد لشکریان باقی ماندی، وی بکشتی. به همین دلیل اسمش را گذاشته بودند مرده کش. در رساله البطون الکبیره لدیها ریاح اکثر نبشته بسراق مغربی آمده است که چون خیل یاجوج ماجوج بر بلاد جابلقا مسلط شدند، تا سه ماه از شیخ کبیر خبری نبود. چون کابینه تشکیل بگردید، امیر یاجوجیان بدید که کابینه وزنه ندارد. چون نیک بنگریست، دانست که شیخ کبیر موجود نیست. پس امیر لشکر او را بخواست و بگفت که ای یار مهربان و ای صاحب ریش فراوان، در وقت تقسیم کرسی های کابینه کجا بوده ای؟ بفرمود که یا شیخ، به مراقبه نشسته بودم تا کرسی نیکی مرا نصیب آید. امیر بخندید و بگفت: ما بر این پندار شدیم که به مرحله استغنا رسیده ای و منصب نخواهی. بگفت: یا امیر، کدام مریض را دیده ای که شوله دوست نداشته باشد. امیر بگفت: پس کدام منصب خواهی تا ترا دهیم؟ بگفت: یا شیخ نامریی! مرا جایی ده که این سراج الدین هر چه رشته کند، من پنبه اش توانم کرد. امیر او را معاون سیاسی رییس الوزرا بساخت، اما بگفت که به اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی هم دست برد توانی زدن. چون به معاونت رسید، مولانا خلیفه وزیرالداخلیه شیخ سراج الدین به مدت چهل روز شربت خاکشیر چهار عرق و جوشانده گل ختمی، سنبل الطیب، بوی مادران زرد و عرق دم اسب نوشیدی، از بس که ترش کرده بودی. روایت است که باری در جمعی از اندیوالان بودی، پس ندا دادی که جهان به صورت اعلام نشده ما را به رسمیت شناخته است. اندیوالان پرسیدندی که یا شیخ الجسیم، از کجا بدانستی؟ بگفت: از آن جا که ما هر چه کار زشت و ناپسند صورت دهیم، به رخ مبارک ما نمی آورند. بگفتند: یا شیخ، هر روز داد و فریادشان از اعمال ما در مراسلات (آن زمان رسانه ها را مراسلات گفتندی) بلند است، چگونه به رخ شما نیاورند؟ بفرمود: چون ما رخ خویش به سوی دیگر کرده ایم. از صلابت این سخن ۱۶ کس عزم کردند که ویجیترین شوند و تنها کاه بخورند. روایت است که دوست نداشت هیچ کس از او پیشتر باشد. باری مریدی از وی پرسید که یا شیخ از کی بیشتر بدت می آید؟ بفرمود: از این شکم نافرمان. بگفتند: چرا؟ بگفت: همیشه از من جلوتر است و هرگز نگذاشته از وی جلو باشم.

گویند باری در دیدار با والی وردک بفرمود که برای حل مشکلات مردم باید گام های عملی برداشت. چند روز بعد او را بدیدند که با سرعت گام برمی دارد. پرسیدند که یا شیخ، چه شده که چنین سریع و بلند گام برمی داری. بگفت: دیروز سرم در کار دیگر غرق بود، نتوانستم گام عملی برای حل مشکلات مردم بردارم، امروز می خواهم تا جبران مافات کنم. بگفتند که یا شیخ، گام عملی یعنی کار مفید و ارزش مند برای مردم بکنی. بگفت: همین گام عملی که برمی دارم، برای هفت پشت آنان کافی است. دیگر کار مفید از من توقع نداشته باشند.

روایت است که چون اجلش به سر آمد، خویشان و دوستان را بگفت که مرا مومیایی کنید و در موزیم برای تماشای خلق بگذارید. بگفتند که یا شیخ، از بهر چه. بگفت: تا خلاق بداند که ما در سال های عمر با چه مشقتی این شکم پهناور را حمل می کردیم. خدایش رحمت کند که تا زنده بود، ندانست که با چه وسیله ای می شاشد.



## طنز سیاسی

